

بسم الله الرحمن الرحيم

نکشی جدید بر
مناز و روزه
مسافران

آیت الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

Ketabton.com



سرشناسه: صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۹۰.
عنوان و نام پدیدآور: نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران / صادقی تهرانی.
مشخصات نشر: قسم: شکرانه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري: ۵۸ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. رقعی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۳۷-۳۶-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: نماز مسافر - احادیث - / موضوع: نماز - جنبه‌های قرآنی -
موضوع: روزه - احادیث - / موضوع: روزه - جنبه‌های قرآنی -

رده‌بندی کنگره: BP1۰۴ ۸ ۱۳۹۲ ن ۲ ص/۴

رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۵۶۵



انتشارات شکرانه

مرکز نشر آثار آیت الله العظمی کترمجمت صادقی تهرانی

نگرشی جدید بر

نماز و روزه مسافران

مؤلف: آیت الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی (ره)

تئیه و تدوین: گروه محققین جامعه علوم القرآن
حروفچینی و ویرایش: واحد تئیه و تنظیم متون انتشارات شکرانه
امور هنری: واحد گرافیک جامعه علوم القرآن

چاپخانه: چاپ یاران

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶-۶۳۳۷-۳۶-۴

قم، بلوار امین، کوی ۲۱، پلاک ۷ / کد پستی: ۳۷۱۳۹۳۴۸۹۴
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۴۴۲۵ و ۰۲۵-۳۲۹۲۵۴۹۹ و ۰۲۵-۳۲۹۲۴۸۶۷

www.forghan.ir

email: shokraneh@forghan.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد.



مرحوم آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی قدس‌سره



تاریخ: ۱۰/۱/۱۳۹۳
شماره: ۹۳/۱۳۴۶ ب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلنَّاسِ نَذِيرًا

مبارک (و خجسته) است خدایی که بر (قلب نورانی) بندۀ ویژه خود، فرقان [کتاب جدا سازنده حق از باطل] را فرو فرستاد، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان

نویسنده متعهد این رساله، که از بر جسته ترین فقهیان مجاهد و آزاداندیش جهان اسلام به شمار می‌رود و در بیست سالگی به درجه رفیع اجتهاد نائل شده؛ بیش از نیم قرن، تلاش مستمر خویش را در مسیر گسترش معارف والای قرآن در سطح دنیا قرار داده است و در این رساله نیز، با نیوگ و تیز بینی خاص خود، به بررسی یکی از مسائل روزمره مسلمانان که مشکلات فراوانی را برای آنان در پی داشته، پرداخته است. و با گذر از حصارهای تنگ تعصبات فرقه‌ای؛ تمامی مجتهدان و مقلدان را برای پیروی حکمی از احکام مهجور قرآن مبین، فراخوانده، تا راهگشای ظهور حجت الهی برای احیای کتاب الله باشد.

متن تحقیقی حاضر با ایجاد نقطه عطفی در تاریخ فقاوت اسلامی؛ بیانگر این دو مسئله است که اوّلاً: «سفر» هرگز مانع روزه داری و اتمام رکعات نماز نیست و ثانیاً: فقط به هنگام خطر، کیفیّت ظاهری نماز تغییر می‌کند. و این نتیجه امتحان اول امر مبارک اهل بیت نبوّت ﷺ مبنی بر وجوب مؤکد عرضه احادیث به قرآن است. که نهایتاً – به جای مسائل یکصدگانه «رساله‌های عملیه» پیرامون نماز و روزه مسافر – دو حکم مذکور، وظیفه متمسکین حقیقی به تقلین را به وضوح معین می‌نماید.

امید آنکه با اعتقاد جمیع مسلمین به قرآن که تنها راه تمسک به ولای پیامبر و اهل بیت ﷺ است، شاهد اجرای صحیح احکام الهی در جوامع اسلامی باشیم.



بسم الله الرحمن الرحيم

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبَّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا
وَبِيَامِنِيرْ گَفْتُ: پَرَوْرَدْگَارَا هَمَانَا قَوْمٌ مِنْ، [الْفَاطِحَة] اِينَ قُرْآنَ رَا [بِهِ صُورَتِي]
دُورَ شَدَه [از مَعْنَى اِش] درِبِرْگَرْفَتَنْد.
(فَرْقَان، آیَهِي ۳۰)

و قال وصي الرسول الامام علي امير المؤمنين ع: .. سيأتي عليكم من بعدى زمان... نبذ الكتاب حملته و تناه حفظته.. [و الناس] لا يعرفون من الكتاب الا خطه... فالكتاب و اهل الكتاب في ذلك الزمان طريدان منفيان و أصحاب مصطحبان في طريق واحد لا يؤويهما مؤوه»

»... به زودی بر شما بعد از من زمانی می‌آید که... عالمان دین [معانی آیاتِ] قرآن را [دور] می‌افکنند، و حافظانش [معنا و عمل به] آن را به فراموشی می‌سپارند و مردم [نیز] از قرآن [چیزی] جز خطا نمی‌شناسند... پس قرآن و اهل قرآن در آن زمان، طردشگان حذف شده [از جامعه، اما] همراهانی هم گام [با هم] در یک راه هستند. [ولی] هیچ پناهدنده‌ای، آن دو را پناه نمی‌دهد.^۱

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

مرحوم امام خمینی «ره»:

... اینجانب از روی جدّ، نه تعارف معمولی می‌گوییم: از عمر به باد رفته‌ی خود در راهِ اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شؤونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محظّ نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد - از کرده‌ها پشمیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده.

«صحیفه نور، ج ۲۰، س ۳۶»

* * *

مرحوم علامه طباطبایی «ره»:

«علوم حوزوی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به هیچ وجه به قرآن احتیاج ندارند، به طوری که شخص متعلم می‌تواند تمام این علوم را از صرف، نحو، بیان، لغت، حدیث، رجال، درایه، فقه و اصول فرا گرفته به آخر برسد و آن‌گاه متخصص در آن‌ها بشود و ماهر شده در آن‌ها اجتهاد کند، ولی اساساً قرآن نخواند و جلدش را هم دست نزند! در حقیقت برای قرآن جز تلاوت کردنش برای کسب ثواب و یا بازو بندی فرزندان که از حوادث روزگار حفظشان کند چیزی نمانده، اگر اهل عترتی، عبرت بگیر!»^۱

* * *

مع الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد!!^۲

* * *

۱- تفسیر المیزان فارسی، ۴۰ جلدی، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

۲- تفسیر المیزان فارسی، ۲۰ جلدی، ۵، ص ۴۵۰.

۳- وصیت نامه‌ی امام خمینی «ره» صفحه‌ی ۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بِهِ خَرَتْ خَدَا تَكَرُّرَ اِنْ رَسَّالَهُ وَعَلَّ بَرَنْ سَرْجَبَ رَضَى
حَفَرَتْ أَقْدَسَ الْفَلَقَ اِسْتَ قَوْصَرَقَ تَرَانِي



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامُ عَلَىٰ خَاتَمِ النَّبِيِّنِ
وَ اَفْضَلِ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرُّمِينَ وَ السَّلَامُ
عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عَبْدِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ.

«نماز» که واژه قرآنی اش «صلاء» است، و از «صلاء»: گیرانه، اشتقاد یافته، خود بهترین گیرانه «نور» است، که تاریکی‌های زوال پذیر را می‌زداید، و نمازگزار را مصدق **﴿أَعْبُدُ اللّٰهَ كَائِنَكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَهُوَ يَرَاكَ﴾**^۱ می‌نماید که: «خداؤند را عبادت کن، گویی که تو او را می‌بینی، و اگر نمی‌توانی او را ببینی، پس او تو را می‌بیند». که در هر صورت تو در محضر اویی.

بر همین مبنای «نماز» بزرگ‌ترین و پایدارترین استوانه‌ی دین بوده، و تاریک آن همچون مشرکان و تکذیب کنندگان جهان آخرت به شمار آمده است، که در پاسخ **﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ﴾** چه شما را در دوزخ افکنده، گویند: **﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصْلِيْنَ. وَ لَمْ نَكُ نُطْعُمُ الْمِسْكِيْنَ. وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِصِيْنَ. وَ كُنَّا نُكَدِّبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ﴾**^۲

۱- إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۲۸، الباب التاسع والثلاثون في المراقبة؛ و قال النبي ﷺ لبعض أصحابه...».

۲- ۴۶: در این کتاب اسمی سوره‌ها و آیات قرآن با عدد ذکر می‌شود؛ عدد اول از سمت راست، شماره‌ی سوره؛ و عدد دوم، شماره‌ی آیه است: (سوره: آیه).

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

«از نماز‌گزاران نبودیم. و بینوا را طعام نمی‌دادیم. و ما با فرو روندگان در باطل هم‌گام بودیم. و ما به وسیله‌ی [گمان غلط نسبت به] روز [ظهور] طاعت^۱ [قیامت را] تکذیب می‌کردیم.»

و این «نماز» هرگز ترك شدنی نیست، زیرا رمز ظاهر و باطن بندگی است، مگر هنگام حیض و نفاس، که در اینجا نیز بر زنان معذور واجب است باوضو و رو به قبله به اندازه‌ی مدت نماز، خدا را با گفتن اذکاری یاد کنند البته مستحب است در حالت نشسته بدون نیت نماز، تمام اذکار نماز را بخوانند، که «خمسُ صَلَواتٍ لَا تُتْرُكُ عَلَى كُلِّ حَالٍ.»^۲

و این عبادت ویژه، خود نمایان گر اصل «توحید»: «الا الله» است، که با پیمودن رمزِ نفی «لا إله» نقش می‌گیرد و بهترین وسیله‌اش «روزه» است که نمایان گر جهت سلبی: «لا إله» می‌باشد.

اگر چه «روزه» خود عبادتی دائمی نیست، بلکه با موانعی چون حیض و نفاس و بیماری، انجامش حرام است که در این صورت با «لا إله» منافات

۱- روز آشکار شدن صورت ظاهري هر عملی، همراه با حقیقت باطنی یا ملکوت آن.

۲- وجوب ذکر گفتن در اوقات نماز برای حائض و نُسَاء، بر مبنای دلایلی قطعی از کتاب و سنت است که ذیلاً بیان می‌شود: اولاً بر پایه‌ی آیه‌ی «أَقِم الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» ۲۰:۱۴ که دلیل اقامه‌ی نماز را «ذکر الله» دانسته؛ اگر شخصی از خواندن نماز معذور باشد، مانند غریق؛ به هیچ وجهی «ذکر الله» از عده‌اش ساقط نمی‌گردد و در هر صورت با گفتن حادل یک بار «تکبیر» و یا با اشاره، «ذکر الله» بر او واجب است و همچنین بر طبق قاعده‌ی فقهی «المیسور لا تُتْرُكُ بالمعسور» و احادیثی از امام صادق علیه السلام با مضمون «خمسُ صَلَواتٍ لَا تُتْرُكُ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (اصول کافی: ج ۳، ص ۲۷۸ و التهذیب: ج ۲، ص ۱۷۲) و «خمسُ صَلَواتٍ يُصْلَيْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (بحار الانوار: ج ۸۸، ص ۲۹۹) هرگز نماز در هیچ حالی، مطلقاً ترك نمی‌شود و شخص معذور باید بدل آن را به جا آورد، در نتیجه پنج حدیثی که در «وسائل الشیعه، ابواب الحیض، باب چهلم» وجوب ذکرگویی حائض و نُسَاء در اوقات نماز را از امام باقر و امام صادق علیه السلام گزارش شده است. چون هیچ حدیثی با آن مخالف نیست در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی مذکوره، حجت بالغه‌ی الهیه است و خلاصه‌ی احادیث مورد نظر، حکم فقهی مذکور در متن این صفحه می‌باشد که حکم ثابت الهی است.

دارد؛ ولی قائل «الا الله» در هر صورت راه «لا الله» را پیموده که به چنان اثباتی در توحید خدا رسیده است.

و اگر چه تمامی عقاید و اعمال مؤمن، نقشی از «لا الله الا الله» دارد، ولی نقش و نقشه‌ی والايش در «نماز» نمودار است، که جهت سلبی «لا الله» آن، یعنی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱ بدین معنی است که نماز خداخواه خداراه خدایین، از گناهان تجاوزگر و بزرگ، و از سایر گناهان باز می‌دارد، و جهت ایجادی آن «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ است که: «نماز را برای یاد من به پا دار.»

«نماز» به تعداد اسماء حسنای الهی، ۹۹ بار در قرآن یاد شده، و چنان که «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۳ معانی و اوصاف ذاتی و فعلی روایت را بیان گر است، اسمای حسنای «نماز» نیز بیان گر بندگی شایسته برای خدادست.

«اقامه‌ی صلاة» که در قرآن با واژه‌های گوناگون آمده، بیان گر به پا داشتن این فریضه‌ی ممتاز الهی است و نه تنها به جا آوردنش، که از نظر ظاهر و باطن، کمیت و کیفیت، وقت، شرایط، اجزاء، و مقدماتش، بایستی به میزان بیان شریعت بر پا گردد.

به پا داشتن نماز در حدود امکان بایستی انجام گردد و هیچ عذر و بیماری، جز آن چه گذشت، کیفیتش را به کلی تغییر نمی‌دهد، مگر در صورتی که واجبی مهم‌تر پیش آید که در آن حال به اندازه‌ی رفع ضرورت و عسر، تنها از چگونگی واجبات نماز - نه رکعات آن - کاسته می‌شود.

و بالآخره این اصل قرآنی و روایتی، با بدیهیات عقلی، علمی و تجربی تمامی بشریت هماهنگ است که همیشه واجب مهم‌تر یا بر واجب دیگری تقدّم می‌یابد و یا از کم یا کیفیش می‌کاهد.

۱. ۴۵:۲۹ -۱

۲. ۱۴:۲۰ -۲

۳. ۱۸۰:۷ -۳

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

و آیا نماز که اهم واجبات است با عملی غیر مهم چون سفر، از این قاعده استثنای می‌شود؟ در حالی که به فرمان الهی در هر صورتی بایستی به پا داشته شود، گرچه در حال غرق و احتضار، که احیاناً با گفتن یک مرتبه «تکبیر» انجام می‌گردد.

و اگر هم شما در شریعت قرآن، تمامی ابواب فقهِ واجبات و محرمات را جستجو کنید، هرگز تقدّم مهم بر اهمّ یا واجب بر اوّلوجّب یا حرام بر حرام‌تر و یا تساوی میان هر یک از آن‌ها را مشاهده نمی‌کنید، تا چه رسد که عملی غیر واجب چون مسافرت بر بزرگ‌ترین و ممتاز‌ترین واجبات الهی که نماز است تقدّم یابد!!

در اینجا این پرسش خیلی به جا است که چگونه در مسافرت‌های معینی، روزه حرام و نماز هم - بدون هیچ مانعی مهم‌تر و یا مهم - شکسته می‌شود؟ با این‌که سفر هر اندازه هم دور و دراز باشد، حالت معارضه‌ای با هیچ واجبی - به ویژه - با این اهمیت را ندارد، که روزه را مبتلا به ترک، و نماز را شکسته کند.

پاسخ این پرسش در قرآن چنین است که روزه‌ی در حالت «حرج» که طاقت روزه‌دار طاق شود، از وحوبش ساقط می‌گردد، و در صورت «عسر» که بیماری زیان‌آور است حرام می‌باشد.

نماز هم از نظر کیفیتش - در غیر حالت غرق و احتضار - تنها در صورتی کاستی می‌یابد که تکمیلش خطری را برای نوامیس پنج‌گانه‌ی دین، جان، عقل، عرض، و مال پیش آورد، که پرهیز از آن خطر، واجب‌تر از حفظ کیفیت کامل نماز است و دیگر هیچ.

و اما روزه از دیدگاه قرآن، تنها منحصر به سه حالت: **یُسْرٌ، حَرْجٌ و عَسْرٌ** است؛ در حالت **یُسْرٌ** به طور کلی، آیه‌ی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمْ

الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ تَسْقُونَ^۱ وظيفه‌ی مؤمنین را تبیین نموده است که: «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه‌داری بر شما نوشته (پس واجب) شد، چنان که بر کسانی پیش از شما نوشته شد، شاید شما تقوا پیشه کنید».

سپس معدوران - که روزه برایشان موجب «عسر» و ضرر است، هرگز نباید روزه بگیرند، که روزه‌ی آن‌ها بر خلاف تقواست، زیرا زیان‌بار می‌باشد: «وَ مَنْ كَانَ مِرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّهُ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ^۲»: و کسی که بیمار یا در حال سفر بود، پس تعدادی از روزه‌های دیگر را [روزه بدارد]: در اینجا «سفری» که به دنبال «مرض» آمده، تنها صرف سفر نیست، بلکه آن گونه سفری است که روزه‌اش «عسرآور» و مضر باشد، چنان که خدای سبحان در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» «خدا [نسبت] به شما [تكلیف] آسان می‌خواهد و [نسبت] به شما [اتکیف] سخت نمی‌خواهد». و این عسر بر خلاف آن‌چه گمان می‌شود تنها زحمت نیست، زیرا هر روزه‌ای زحمت دارد بلکه معنای عسر، ضرر است؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

«فَذَالِكَ يَوْمَئِنِ يَوْمٌ عَسِيرٌ^۳»: «پس آن‌چنان روزی، روز بسیار سختی است.» و آیا زحمت جهنم تنها دشواری عادی است و یا ضرر شدید؟

در باب تیمم بدل از وضو و غسل هم می‌بینیم که خدای متعال می‌فرماید: «وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضِي أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَا مَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجْدُوا مَاءً فَتَمَمُّوا صَعِيدًا طَيْبًا^۴»: (و اگر بیمار یا در حال سفر بودید یا یکی از شما از مکان قضای حاجت بازگشت یا [با]

.۱۸۳:۲-۱

.۱۵۸:۲-۲

.۹:۷۴-۳

.۶:۵-۴

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

زنان همبستر شدید، پس [برای وضو یا غسل] آبی نیافتید، بلندای پاکیزه‌ای: (چیزی پاکیزه) را [برای تیمم] جویا شوید.»

در اینجا نیافتن آب برای مریض، حکمتش عذر بیماری است، یعنی با وجود آب هم نباید وضو یا غسل انجام دهد، ولی برای مُسافرت‌ها، حکمتش خود سفر نیست، بلکه در اینجا نبود یا کمبود آب موضوعیت دارد، زیرا در سفرهای هنگام نزول قرآن - آن هم در حجاز که مردم در وطن خود نیز مبتلا به قحطی آب بوده‌اند - آبی چندان وجود نداشته است، بلکه گاهی مردم از تشنگی هلاک می‌شدند؛ در روزه نیز چنان است، که نبود یا کمبود آب در سفر - اضافه بر سختی‌های دیگر - موجب عسر و ضرر برای روزه‌دار است، که اگر عسری هم نباشد چنان حکمی هم نخواهد بود.

و اگر هم مقصود از آن، حرکت سفری باشد، چون این حرکت در مقصد سفر متنفی است باید شخص مکلف در این مقصد روزه‌دار باشد؛ یعنی اگر هم - فرضًا - پذیریم سفر موجب افطار روزه است، با این حال چون آیه می‌فرماید: «عَلَى سَفَرٍ» که معناش: «در حال سیر و سفر» است، بنابراین در پایان سفر - که مانند وطن است حتی اگر یک روز هم توقف کنید چون ماندن شما در آن جا مصدق «عَلَى سَفَرٍ»، نیست باید روزه‌دار باشید که دیگر قصد اقامت ده روز، معنایی ندارد؛ در نتیجه با پذیرش فرض مذکور نیز فتوای عمومیت افطار روزه در سفر باطل است.

و میانگین حالت عادی و عسر، «حِرْجٌ» است که: «وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةً طَعَامٌ مَسْكِينٌ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنَّ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَهْلِمُونَ»^۱: «و بر کسانی که روزه برایشان طاقت فرساست فدیه‌ای [واجب است که] خوراک بینوایی است، پس کسی که

خیری را به زحمت انجام داد، همان برایش بهتر است و این که [در حال حرج] روزه بگیرد، برایتان بهتر است، اگر می‌دانستید.» و این حالت میانگین – که روزه، نه واجب باشد و نه حرام؛ بر پایه‌ی آیاتی است مانند: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۱ «و [خدا] در دین بر شما هیچ [تكلیف] طاقت فرسایی قرار نداد»، ولی در عین حال، اگر عملی را با حرج انجام دادی، بهتر است. مگر در تکالیفی که کلاً جان فرساست مانند جهاد فی سبیل الله که واجب کفایی است.

و آیا روزه‌ی طاقت فرسا مستحب است، ولی روزه‌ی بدون طاقت فرسایی و حرج، تنها بر مبنای «سفر» حرام است؟ حال آن که احیاتاً سفری را که موجب ترک روزه می‌دانند فرح‌بخش و افزاینده‌ی نیرو نیز هست! و آیا کم، بیش‌تر از بیش است، که در صورت «حرج» – در وطن – روزه مستحب، ولی در صورت سفر بدون حرج، روزه حرام باشد! بر این اساس تنها عذری که روزه را حرام می‌کند «عسر» و زیان است که در این صورت ترک روزه از انجام آن مهم‌تر است، و آن‌چه از وجوبش می‌اندازد، «حرج» و طاقت فرسایی است و دیگر هیچ.

این حکم روزه است که اهمیت وジョوش از نماز کم‌تر می‌باشد و آیا در هر سفری که عسر و حرجي وجود نداشته باشد از کیفیت نماز کاسته می‌شود تا از رکاعاتش در «سفر» کاسته گردد؟!

قرآن، قصر از صلوة را فقط به هنگام خوف، جایز و واجب دانسته که آن هم تنها در انحصار کیفیّات نماز است – نه کمیت: (تعداد رکعات) – زیرا نمازگزار می‌تواند به هنگام راه رفتن یا دویدن و یا در حالی که سواره است، حتی اگر بیش از چهار رکعت نماز هم بر او واجب بود، همان را بدون هیچ حرج و عسری انجام دهد و آیه‌ی قصر نیز چنین است:

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَقْتَتِكُمُ الظَّنَّ كَفَرُوا أَنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (۴: ۱۰۱)

و هنگامی که در زمین زدید: به سختی گام نهادید، [در سفر یا وطن، حرکت و سیری دشوار داشتید] پس گناهی بر شما نیست که از نماز بکاهید، اگر بترسید کسانی که کفر ورزیدند، [بر ضد] شما آشوبی [جنگی برپا] کنند، همانا کافران دشمنانی آشکار کنندهی [دشمنی‌شان] برایتان بوده‌اند.»

در اینجا هم می‌بینیم که نص قرآن «ضربتم» است و نه «سفرتمن»، زیرا در کل قرآن «سفر» لفظ ویژه‌ی خود را دارد، ولی «ضربتم» فی الارض» فقط زدنی در زمین یا پیمودنی سخت و دشوار است، چه در جنگ - چنان‌که آیه‌ی مورد بحث هم درباره جنگ است - و یا در باره‌ی کاری دشوار مانند تجارت - چنان‌که در آیه (۲۰: ۷۳) آمده - و این دو اعم است از پیمودن راهی در وطن و یا در سفر.

و به اصطلاح منطقی میان «ضرب فی الارض» و «سفر» رابطه‌ی عموم من وجه برقرار است که گاهی هر دو وجه وجود دارد، مانند سفری جنگی و یا تجاری دشوار و گاهی یکی از آن‌هاست مثل سفری بدون خطر و دشواری که صرف سفر است و یا راهی دارای خطر و ضرر و دشواری در وطن که «ضرب فی الارض» است.

بنابراین «ضربتم فی الارض» در اختصاص سفر نیست و محور حکم قصر در این آیه کاری خطردار و جان‌کاه است و در آیه‌ی (۲۹: ۲۳۹) این کاستی از کیفیت نماز به کل خوف‌ها تعییم داده شده است که: «إِنْ خَفْتُمْ فَرْجًا لَا أَوْ رُكْبَانًا» «پس اگر بترسید پیاده یا سواره [نماز را محافظت کنید]» که تنها از کیفیت نماز - آن هم به اندازه‌ی رفع خوف کاسته می‌شود.

و اما «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ»: پس گناهی بر شما نیست - پاسخ گویی کسانی است که بر پایه‌ی اهمیت نماز گمان می‌کردند حتی به هنگام خطر هجوم دشمن و مانند آن نیز بایستی نماز را بدون کم و کاستی انجام داد

گرچه جانشان هم در خطر باشد، در حالی که از باب برتری «اهم» مانند حفظ جان بر «مهم» که تکمیل کیفیت «نماز» است، تنها به منظور حفظ از خطر دشمن نمازشان کاستی می‌پذیرد، که در دنباله‌ی این آیه خطر هجوم دشمن را در حالت نماز جماعت متذکر شده و بیان نموده که چنان خطری، تنها از رکعات جماعتی نماز - که مأمورین اقامه می‌کنند - می‌کاهد، ولی تعداد اصلی رکعات آن ثابت است و باید بقیه‌ی نماز را در حال حرکت و یا رعایت احتیاطِ دفاعی ادامه داده و تکمیل کنند. ولی امام بدون هیچ‌گونه کاستی - حتی در کیفیت - نمازش را تداوم می‌بخشد، البته اکنون، چنان نبردی هم چندان وجود ندارد، زیرا جنگ‌های تن به تن بسیار کم است.

سپس برای جبران این کاستی در کیفیت نماز، برای یاد مداوم خدا، دستوری آمده است که: **﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبُكُمْ﴾**^۱ «پس هنگامی که نماز - خوف - را انجام دادید، خدا را ایستاده و نشسته و به پهلوهایتان یاد کنید.» که کاستن از کیفیت نماز را جبران کند؛ زیرا در زمینه‌ی ترس، کاستی از کیفیت نماز حاصل شده بود: **﴿فَإِذَا أَطْمَأَنْتُمْ فَاقِمُوا الصَّلَاةَ﴾**^۲

«پس هنگامی که آرامش یافتید، نماز را [بدون کاستی] به پا دارید.» که تمامی شرایطش را به خوبی انجام دهید و این اطمینان پس از خوف تنها آرامشی پس از ترس است و بس.

و در پاسخ این پرسش که چرا نمی‌توانیم نمازِ کامل را به زمانی دیگر محول کنیم - و بایستی در اینجا از کیفیت آن بکاهیم - فرماید: **﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَبًا مَوْقُوتًا﴾**^۳

.۱۰۳:۴ -۱

.۱۰۳:۴ -۲

.۱۰۳:۴ -۳

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

«همانا نماز بر مؤمنان نوشه‌ای [بس واجب] بوده [در] وقتی معین شده.» که بایستی در وقتی انجام شود. پس اگر در وقت معین نماز به سبب هجوم دشمن و مانند آن، مورد ترس واقع شدید، تنها به اندازه‌ی جلوگیری از خطر، نمازتان مبتلا به کاستی - در کیفیتش - می‌شود، که این کاستن تنها بر حسب ضرورت و خطر و خوف است.

پس در حالت اطمینان از خطر چه در سفر و یا حضر، باید بدون چون و چرا، تمامی اجزاء، شرایط، کمیات، و کیفیات نماز را انجام داد.

مطلوب فوق الذکر در بیان حالت «عسر» و ضرر بود، ولی در صورت «حرج» که طاقت‌فرسایی عمل است و جوب به جواز تبدیل می‌شود، که در این حال بر مبنای قاعده‌ی **﴿فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ﴾**^۱ انجام هر عملی با وجود طاقت‌فرسا بودن آن بهتر است.

و بالآخره: **﴿أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾** با شرط **﴿إِنْ خَفْتُمْ﴾** نازل شده است، که فقط قصر از کیفیت نماز را در بر دارد، گرچه در زمان‌های کنونی - که ترسی از جنگ تن به تن و مانند آن وجود ندارد - قصر کیفی از نماز بسیار کم اتفاق می‌افتد، و در آخر آیه **﴿فَإِذَا إِطْمَأْنَتُمْ﴾** به پا داشتن واجبات کیفیتی نماز را از قصر به اتمام برگشت می‌دهد، و دیگر هیچ علت یا حکمتی که نماز را کوتاه کند، و از چگونگی اش بکاهد، وجود ندارد.

وانگهی اگر هم **﴿ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ﴾** به معنای سفر باشد، کل سفرها را، و **﴿الصَّلَاةِ﴾** هم تمامی نمازهای پنج‌گانه را در بر دارد. بنابراین اختصاص آن به سه نماز از پنج نماز و اختصاص سفر هم به چهار فرسنگ یا یک روز راه، بی‌مورد است، و در صورت خوف نیز هرگز چاره‌اش کاستی از رکعات نماز نیست؛ چون احیاناً مقدار کمی توقف هم جان فرساست.

آری، کاستی از عدد رکعت نماز هیچ اثری در خوف‌زدایی ندارد، که اگر چند لحظه هم در جایی ترسناک توقف کنی، خوف همچنان گریبان‌گیر شمامست، ولی اگر فوراً جایگاه نماز را ترک کرده و از کیفیت ایستایی در نماز بکاهی، خطر برطرف می‌شود.

اگر چه نمازگزار می‌تواند در حال حرکت و فرار از مکان خوفناک، حتی چهل رکعت نماز هم بخواند، زیرا خوف هیچ گونه آسیبی به تعداد رکعتات نماز وارد نمی‌کند.

با این حال چگونه پذیرفته است که با چند کیلومتر دور شدن از «وطن» و قرارگاه‌تان نمازهای چهار رکعتی واجب را نصف کنی؟ که اگر این کار را انجام ندهی، نمازت باطل و حرام باشد!

با آن که صرف سفر نه عسری دارد و نه حرجی، که اگر هم ضرر و خطری وجود داشته باشد، جلوگیری از هیچ خطری با کاستن دو رکعت از نماز تحقق نمی‌یابد، بلکه بر حسب آیه‌ی مذکوره و آیه‌ای دیگر تنها از کیفیت نماز کم می‌شود که: «**حَفِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَالصَّلُوةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَتْنِين ؛ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالًا أَوْ رُكَبًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَمْكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ**»^{۱۷}: «بر نمازها [به طور کامل] نگهبانی کنید - خصوصاً - نماز میانی ۲ و برای خدا [در نماز] خاشعانه قیام کنید،

۱- ۲۳۹:

۲- در «الصلوة الوسطى» چون کلمه‌ی «الصلوة» و «الوسطى» هر دو مفرد می‌باشند، بنابراین قدر مسلم صلاة وسطای مطلق مراد است که نماز صبح می‌باشد. همچنین آیه‌ی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسْقِ الْيَلَلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنْ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^{۱۸} که در اینجا «قرآن الفجر» پس از نمازهای ظهربین و عشاپین، صریحاً به معنای نماز صبح است؛ سپس «ال» (الف و لام جنس) در هر دو کلمه‌ی «الصلوة» و «الوسطى» نمازهای وسطای غیر مطلق مانند نماز ظهر و نماز جمعه را نیز در بر دارد بنابراین نماز میانی مطلق، که میان شب و روز واقع شده نماز صبح است و نماز میانی غیر مطلق که در میان دو نماز روزانه قرار دارد نماز ظهر است و همچنین نماز میانی غیر مطلق که در بین هفتگه‌ها واقع شده نماز جمعه می‌باشد.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

پس اگر بترسید [که در صورت تکمیل نماز گزندی بر جان یا دین یا عقل یا عرض و یا مال شما برسد] پیاده یا سواره [نماز را محافظت کنید]، پس هنگامی که ایمن شدید خدا را یاد کنید، چنان که [به] شما آموخت آن چه را نمی‌توانستید بدانید.»

در اینجا مقصود، انجام کامل «نماز» است که آن را ایستاده و با تمامی اجزاء و شرایط کاملش - در قیام، رکوع، سجود و تشهد - به پا دارید.

در آیه‌ی نساء «إِنْ خَفْتُمْ» شرط اصلی «أَنْ تَصْرُّوْا مِنَ الصَّلَاةِ» است، که تنها برای جلوگیری از خوف جانی در جنگ، چه در سفر و یا حضر، از کیفیت نماز بکاهید.^۱

ولی آیه‌ی بقره «فَإِنْ خَفْتُمْ»، مطلق «خوف» گذشته از جان؛ دین، عقل، عرض و مال را نیز در بر می‌گیرد، که بالاخره برای نگهداشتن مهم‌تر از مهم صرف نظر می‌شود، و برای حفظ نوامیش پنج گانه، چیزی از کیفیت نمازتان کاسته می‌گردد، که این خود جمع میان هر دو واجب است.

و آیا در سفری که نه ترسی از دشمن وجود دارد و نه خطری یا حرجی دیگر، بایستی نماز را شکسته بخوانیم؟ که دو رکعتش را ترک کنیم، و بر اندام زیبای بزرگ‌ترین واجبات: (نماز) چنان شکستی را وارد کنیم؟! در حالی که نه تنها مانع واجب‌تر و اهم از نماز وجود ندارد، بلکه سفر به هیچ وجه سبب واجب کردن عملی غیر واجب و یا حرام کردن کاری غیر حرام نیست و اگر هم حرجی وجود داشته باشد، تنها وجوب کیفیتی نماز را از بین می‌برد و استحباب مؤکدش همچنان باقی است.

ما در میان واجبات جمعی و فردی، چه عینی و یا کفایی، هرگز به واجبی برنمی‌خوریم که بدون رعایت اوجب از آن یا واجب برابر ش از

۱- تفسیر فقهی این آیه در رساله‌ی توضیح المسائل نوین و کتاب ترجمان قرآن به تفصیل آمده است.

وجوب بیفتند؛ تا چه رسد که حرام هم بشود و اتمام نماز و انجام روزه بدون هیچ علتی مورد تهدید قرار گیرد.

پس آیا نماز - که عمود دین و استوانه‌ی یقین است - و حتی به هنگام جنگ رسول الله ﷺ با کفار، اقامه‌ی آن به صورت جماعت امر شده و در آن شرایط سخت نیز وجوب جماعتی آن، به استحباب مبدل نگشته، باید برای سفر که احیاناً از ماندن در وطن هم راحت‌تر است - مثلاً با مسافرتی کوتاه و راحت به وسیله‌ی هوایپیما از تهران به مشهد - بنیانش سست شده و شکسته گردد؟! و نه تنها اتمامش از وجوب بیفتند که حرام هم بشود - و مورد تهدید نیز واقع گردد - تا بعضی به عنوان روایت و انمود سازند که: آیا بخشش خدا را رد می‌کنید؟ در صورتی که او لا دلیل قطعی بر بخشش دو رکعت از نمازهای چهار رکعتی وجود ندارد و ثانیاً هر گونه بخششی از عبادت - بدون هیچ علتی به ویژه در غیر حالت حرج و عسر - چشم‌پوشی از بندگی خداست! و گرنه باید بخشش کل نماز نیز صحیح باشد!

در «قرآن» که پایه‌ی اصلی اسلام است هرگز اشاره‌ای هم به این معنای خلاف عقل نیست، که واجبی بدون هیچ علت و یا حکمتی - مانند روزه - ساقط گردد، و یا - همچون نماز - کاستی باید!

«تأویل» هم که در اختصاص خدای تعالی است و بعضًا آن را به وسیله‌ی وحی بر رسول الله ﷺ و یا الهام به امامان معصوم علیهم السلام پس از وی القاء فرموده است، در این گونه موارد زمینه‌ای ندارد، زیرا معنایش توسعه دادن به حکمی است که در قرآن، نمونه‌ای از آن ذکر شده، و مأخذ حکم را معصوم به وحی یا الهام الهی می‌داند، زیرا مورد الحقی یا باید با مورد منصوص برابر و یا حدّاقل به آن نزدیک باشد، و مجرد سفری که هرگز خطر و ضرری برای روزه‌داری و اتمام نماز ندارد، به هیچ وجهی قابل پیوند زدن به زمینه‌ی ترس و خطر نیست، تا حالت عادی و احیاناً راحت‌تر از وطن را به موارد ترس و خطر ملحق سازند.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

پیوند نماز و روزه‌ی سفر به گونه‌ای مطلق به دو مورد قصر نماز در خطر، و افطار روزه در مرض، همچون پیوند زدن صفر به هزار است، که اگر خوف و ضرری وجود داشت از نماز کاسته شود و روزه نیز منوع گردد، و اگر هم هیچ خوف و ضرری نبود به مجرد سفر هشت فرسنگی و یا یک روزه، قصر عملی گردد، گرچه اتمام نماز و انجام روزه راحت‌تر و دل‌پذیرتر از به جا آوردن آن در وطن باشد!

حال آن که بر اساس نص قرآن انجام هر عمل خیری با حرج و زحمت، مستحب می‌باشد و حرام نیست. پس چرا فتوای می‌دهند که انجام نماز کامل در سفری که هیچ گونه حرجه ندارد حرام است. و چرا روزه‌ی بدون حرج را در سفرهای معینی حرام می‌دانند؟!

و بالاخره اگر اندکی ناراحتی که احیاناً در سفر هست موجب قصر و افطار بود می‌باشد قرآن که «**بیانِ للنّاس**» است حکم آن را بیان می‌کرد تا حکم ناراحتی‌های بیشتر به روشنی از آن فهمیده شود؛ نه این که تنها «**آن خفتُم**»، یا «**عسر**»، آن هم ترس بر جان و مانند آن در قرآن به عنوان قصر و افطار، به گونه‌ی «**حصر**» مطرح گردد، و آن‌گاه مواردی دیگر نیز که هرگز خوف و خطر و ناراحتی هم ندارد و حتی برای مسافر راحت‌تر است، بدون هیچ دلیلی به آن پیوند زده شود!

در حالی که می‌بینیم هرگز اشاره‌ای هم در قرآن به جواز یا وجوب قصر نماز در سفر نشده است؟! بلکه دو نص قرآنی، قصر بدون خوف را و یک نص قرآنی، افطار بدون عسر را کلاً نفی کرده است.

ولی اکنون که حکم قرآن درباره‌ی قصر و افطار تنها به صورت حصر در خوف و عسر نازل شده است، روایت چه نقشی در برابر نص قرآن، می‌تواند داشته باشد، به ویژه آن که این روایات هم متضاد است!

مثالاً روایتی که^۱ «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» در قصر نماز به هنگام جنگ را به معنی «لا جُنَاحٌ» با «مَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ»^۲، وجوب رکنی و شعائری سعی ثابت شده، و «لا جُنَاحٌ» گمان گناه در سعی را - به هنگام بازگرداندن بت‌ها توسط مشرکان به میان صفا و مروه در عُمرَةُ الْقَضَاء - برطرف می‌سازد، و آیا «سفر» از «شَعَائِرَ اللَّهِ» است که اولاًً واجب باشد، و در ثانی از تکمیل نماز مهم‌تر بوده تا بدون هیچ علت یا حکمتی آن را مبتلای به قصر کند، در حالی که «إِنْ خَفْتُمْ» در هر دو آیه‌ی بقره و نساء، خود گواه انحصار حکم الهی در قصر صلاة به مورد ترس است، زیرا مقابلش اطمینان و آرامش است و دیگر هیچ و نه تنها «نماز و روزه» - که سرآمد واجبات فرعی اسلام‌مند - بلکه واجباتی بسیار کوچک هم هرگز بدون برخورد با واجب مهم‌تر از بین نمی‌روند؛ مگر در صورتی که توان هر دو را با کاستی از کوچک‌تر به جای آورد.

پس از این چه «ضرورت» اسلامی است که باستی «نماز» در سفر «قصر» و روزه هم در آن ترك شود، در صورتی که با اهتمام به نصّ قرآن اگر هم به دور کره‌ی زمین، پیاده سفر کنیم هرگز قصری، مگر در صورت ضرورت نخواهیم داشت.

اگر چه حکم روزه‌ای که موجب عسر یا حرجي گردد افطار است، ولی برای عدد رکعات نماز در سفر هرگز عسر یا حرجي متصور نیست. مگر در نبردی زیان‌بار و عسراور که به عنوان نمونه‌ی «خوف» از دشمن، آن هم در نماز جماعتی به هنگام جنگ، برای حفظ نیروهای اسلام نماز قصر می‌گردد، که تنها از کیفیت جماعتی نماز و کیفیت نماز فرادای پس از آن - و نه از تعداد رکعاتش - کاسته می‌شود.

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۸، ص ۲۰، در سه روایت
۲- ۳۲: ۲۲

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

و شما می‌بینید که در قرآن هیچ اشاره‌ای به قصر نماز در مطلق سفر نداریم که آیه‌ی «بقره» درباره‌ی صلاة خوف به طور مطلق است، و آیه‌ی «نساء» نیز - که درباره‌ی جنگ نازل شده - تَقْيِيدٌ به سفر ندارد.^۱

ما از مجموع دو آیه‌ی مذکور این حکم را می‌فهمیم که تنها با ترس در انجام کامل نماز باید از کیفیتش کاست، و نه از رکعتاش. و اگر هم - فرضًا - سفری موجب کاستن از رکعات نماز بود، پس چرا نمازهای چهار رکعتی به نصف کاهش می‌یابد، ولی از نماز مغرب هرگز چیزی کم نمی‌شود، آیا نماز مغرب از نماز ظهر: (نماز وسطای روز) برتر است؟!



۱- البته ترس در جنگ هم مصدق منحصر به فرد خوف نیست، بلکه کل موارد خوف، موضوع قصر می‌باشد، بدین معنا که جنگ موضوعیتی برای خوف ندارد، زیرا علت قصر فقط خوف است. مثل این که بگوییم: به حسن ظلم نکنید؛ در اینجا مصدق نفی ظلم، حسن است ولی ظلم کلیت دارد و چون جنگ هم خوفآور است مصدق قصر می‌باشد که در غیر این صورت اگر در جنگ هم خوفی نباشد نماز شکسته نمی‌شود، چنان که «شرط» قصر در قرآن بر مبنای «إِنْ خَفْتُمْ» فقط خوف است. و جنگ «ظرف» خوف است نه شرط خوف؛ بنابرین خوف تنها شرط قصر می‌باشد.

«بحث روایی»

با امثال اوامر مبارک حضرات اهل‌بیت نبوت ﷺ مبنی بر وجود مؤکد عرضه‌ی احادیث به قرآن

روایات نیز درباره‌ی قصر صلاة چند گونه است که باید بر محور دلیل اول اسلام: قرآن بررسی گردد؛ مثلاً بعضی از روایات تنها خوف^۱ را موجب تغییر کیفیت نماز دانسته، که این دسته از روایات موافق قرآن و مقبول است.

و روایت «سمی رسول الله قَوْمًا صاموا حِينَ افْطَرَ وَ قَصْرَ عُصَادًا...» که پیامبر، روزه‌داران را به هنگامی که حضرتش افطار و قصر نمود گناه‌کار نامید. در موردی است که بر حسب نص آیه‌ی نساء نماز را در جنگ به جماعت برپا داشته بودند و نه در هر سفری، بلکه بر حسب آیه‌ی نساء، «قصر» از چگونگی نماز پیامبر و افطار روزه‌ی آن حضرت تنها به هنگام خطر و یا ضرر بوده و تقیّدی به سفر و یا حضر نداشته است.

و روایات^۲ «لَا يَزَالُ الْمُسْتَفِرُ» که «قصر» نماز را برای تمامی مسافران واجب دانسته، طبعاً نظر به سفر معینی دارد که هشت فرسنگ یا یک روز راه بوده، و یا همان سفر جنگ است، و بالاخره کاستی از کیفیت نماز در صورت ضرورت بوده است.

روایاتی هم که در نمازهای چهار رکعتی برای مسافران دو رکعت و برای دیگران چهار رکعت را مقرر نموده، بر خلاف دو آیه‌ی قصر است، که هر دو مدنی است، و نیز با روایاتی که برای نمازهای واجب، هفده رکعت را از آغاز اسلام مقرر فرموده مخالف است.

۱- وسائل الشیعه، ابواب صلاة الخوف.

۲- جامع احادیث الشیعه، ح ۵۹۵۴.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

و روایات^۱ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَ تَصْدَقَ عَلَى مَرْضَى أُمَّبَتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالْتَّقْصِيرِ وَ الْأَطْعَارِ» که هر دوی تقصیر و افطار را به طور تساوی برای بیماران و مسافران مقرر نموده بر خلاف ضرورت اسلامی است، زیرا اگر مسافر نمازش را باید قصر کند، بیمار هرگز چنان نیست، مگر این که مقصود از آن، قصر در کیفیت نماز به هنگام نالمی در سفر، و بیماری به طور مطلق باشد.

و روایاتی هم که اضافه‌ی^۲ دو رکعت نماز را برابر دو رکعت دیگر در نمازهای چهار رکعتی از جانب خود پیامبر ﷺ دانسته، بر خلاف وظیفه‌ی رسالت است، که حضرتش «رسول» بوده و نه ترکیبی از رسالت و ربوبیت؛ چون بر مبنای آیه‌ی: «وَ لَا يَشْرُكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا»^۳ خدا، در حکم — تکوینی و تشریعی اش احادی را شریک نمی‌کند.

و بالاخره اگر روایات قصر نماز و افطار روزه مختص به سفر بدون خطر باشد و هیچ گونه توجیهی هم نپذیرد، چون بر خلاف ضرورت قرآنی است هرگز پذیرفتنی نیست.

و اگر فرضاً ما نیز بتوانیم به روایات قصر صلاة و افطار صوم — بر خلاف نص قرآن — عمل کنیم، تنها «مسیرةٌ يَوْم...» میزان است که امروزه با وسائل نقلیه‌ی معمولی بیش از هزار کیلومتر و باً هوا پیما حدود بیست هزار و یا بیشتر است.

زیرا با بررسی روایاتی که هشت فرسنگ را ملاک قصر قرار داده و روایات دیگری که یک روز راه را میزان گرفته، به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته این دو اندازه‌ی زمانی و مسافتی برابر بوده‌اند.

ولی اکنون که یک روز راه حدوداً دویست برابر هشت فرسنگ است، برابری این دو میزان برای قصر و افطار هرگز پذیرفته نیست، زیرا یا

۱- جامع احادیث الشیعه، ح ۵۹۵۵.

۲- جامع احادیث الشیعه، ح ۵۹۶۷.

۳- ۲۶:۱۸

هشت فرسنگ میزان اصلی و یک روز راه فرعش می‌باشد، و یا این که قضیه بالعکس است.

البته روایات زیادی تنها یک روز راه را معیار اصلی قصر دانسته است، یعنی اگر مسافر هشت فرسنگ سفر کرد یک روز راه رفته، و هرگز چنان نیست که اگر یک روز راه ببرود هشت فرسنگ رفته باشد، و در بعضی از احادیث هم این نکته تصریح شده است که: «إِنَّمَا جُعلَ مسيرةً يَوْمَ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ لِأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ هُوَ سَيِّرُ الْجَمَالِ وَ الْقَوَافِلِ وَ هُوَ الْغَالِبُ عَلَى الْمَسِيرِ وَ هُوَ أَعْظَمُ الْمَسَيِّرَاتِ الَّذِي يَسِيرَهُ الْجَمَالُونَ وَ الْمُكَارِيُّونَ»^۱ یعنی یک روز راه با اغلب وسایل سفر، مناطق قصر است و امروزه یک روز راه با خودروهای عادی بیش از هزار کیلومتر است.

گرچه در بیشتر بودن وسایل نوعی سفر نیز سخنی داریم که در باب نماز مسافر «تبصرة الفقهاء» مفصلاً ذکر شده و خلاصه‌اش این است که عبادتی فردی مانند نماز، در عذرهاش، هرگز تابع نوع مردم نیست و اگر یک روز راه - به گونه‌ای مطلق و یا به شرط خوف - موجب قصر باشد، این امر شخصی هرگز تابع اکثریت جامعه نیست، چنان‌که بیماری اکثریت بیماران، روزه را تنها بر آنان حرام می‌کند نه بر همگان.

ولی در هر حال، قصر نماز در سفر هشت فرسنگی امروز، بر خلاف قرآن و نیز مخالف روایاتی است که یک روز را میزان قصر و افطار قرار داده‌اند، گرچه معیار اخیر هم پذیرفته نیست.

ما در کتاب «نماز مسافر با وسایل امروزی»^۲ به گونه‌ای مشروح، میزان بودن یک روز راه را با بیشترین وسایل مسافرت بیان کرده‌ایم. سپس در

۱- وسائل الشیعه، ابواب صلاة المسافر، باب ۱، ح ۲، رواه فی العلل و عيون الاخبار عن الامام الرضا علیه السلام.

۲- کتاب مذکور برای برخی از مراجع شیعه چون آیت‌الله خمینی، آیه‌الله خوبی، آیه‌الله حکیم و آیه‌الله شاهرودی و... در سالیان دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ ارسال شد و پاسخی بر رد آن دریافت نگردید.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

«تبصرة الفقهاء» و «رساله توضیح المسائل نوین» روشنگری بیشتری نموده ایم که کلاً سفر بدون خطر و ضرر از گردونه قصر و افطار بیرون شده است. و در اینجا هم با تدبیر بیشتر در دو آیه‌ی قصر و افطار این مبانا را مستحکم‌تر ساخته‌ایم. و بالاخره روایات و نظرات فقیهان و شرع‌مداران هر اندازه هم زیاد و چشمگیر باشد، هرگز در تقابل با قرآن، نقشی ندارد، مگر این‌که آن‌ها را با قرآن رد، و یا معنا کنیم.

در نتیجه امروزه در تمامی کره‌ی زمین و هر جای دیگر، هرگز قصر در کیفیت نماز - تا چد رسد به کمیش - و نیز افطار روزه در هیچ سفری وجود ندارد، مگر ضرورت و اولویتی که سبب افطار روزه گردد و تنها از کیفیت نماز بکاهد و دیگر هیچ.

اینک با بیانی مکرّر و مختصر، تصریح می‌کنیم که شرط **«إنْ خَفْتُمْ»** در قصر نماز و «عُسر» در افطار روزه، هرگز قابل محو یا الحاق نیست که محسوس بر خلاف نصّ قرآن، و پیوندش نیز متحقّق کردن ناجیز به چیز است، و همچنین از نظر کتاب و سنت همیشه اهمّ بر مهمّ مقدم است.^۱ تا چه رسد به جایی که هرگز مهمی هم مطرح نباشد، زیرا سفر بی‌خطر و یا بدون حرج و زحمت، هیچ معارضه‌ای با تکمیل نماز و انجام روزه ندارد، تا جریان اهم و

همچنین رساله‌ی «الفقهاء بین الكتاب والسنّة» که حاوی یکصد حکم فقهی از احکام مهجور قرآنی به انضمام حکم نماز و روزه‌ی مسافر می‌باشد، به همراه نامه‌ی درخواست نقد پیرامون آن، در اوایل دهه‌ی ۸۰، به سال ۱۳۷۳ ه ش برای بیش از یکصد و بیست نفر از علمای اسلام ارسال گردید و آنکنون قریب به هفت سال است که همه‌ی آنان سکوت کرده‌اند.

۱- عقل مطلق نیز این تقدّم را به وضوح می‌پذیرد، البته استناد ما به عقل در اینجا تنها بر این مبنای است که عقل فقط وسیله‌ی دریافت احکام از کتاب و سنت، یعنی کاشف حکم الهی است نه این که در برایر دو دلیل انحصرای کتاب و سنت، استقلالی داشته باشد و آنان که عقل را با اجماع، به عنوان دو دلیل مشرع، هم‌ردیف کتاب و سنت جعل کرده‌اند، متأسفانه عملاً برای شارع مقدس، شریک قائل شده‌اند و باید توبه کنند، زیرا قرآن می‌فرماید: «وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا». «۲۶:۱۸» و خدا در حکم - تکوینی و تشریعی - اش احدي را شریک نمی‌کند. (البته عقل و اجتماعی که مخالف قرآن نیست کاشف از حکم کتاب و سنت است).

مهم پیش آید، و بالاخره قرآن اصلاً به موضوعیتِ مطلق سفر برای قصر و افطار اشاره‌ای نکرده، بلکه تصريح به انحصار قصر و افطار در خوف و یا ضرر نموده است، در حالی که اگر بر خلاف موازین مذکور، خود سفر نیز موضوعیتی داشت لازم بود مکرراً یا حداقل یک بار یاد شود، تا در میان احکام شرعی، به گونه‌ای استثنایی جای خود را باز کند!

و اگر هم سفر در باب روزه ذکر شده، بر مبنای موضوعیت «عسر» برای مسافران زمان نزول آیه است چنان که خدای متعال می‌فرماید: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾**^۱ «خدا [نسبت] به شما [تكلیف] آسان می‌خواهد و [نسبت] به شما [تكلیف] سخت نمی‌خواهد». چنانکه همین سفر در باب وضو از مصاديق **﴿فَلَمْ تَجِدُوا ماءً﴾**^۲ می‌باشد، که مقصود از آن، نبودن آب در سفرهای سابق بوده، چنان که حکم تیمم برای مریض به علت ناتوانی در استعمال آب در وضو یا غسل، تشریع شده است.

و همان گونه که در موضوع «کر» روایات از نظر وزن و مساحت متضادند، و حکم‌ش این است که «کر» آب زیادی است که با نجاست‌های عادی تغییرپذیر نیست.

در موضوع سفر می‌بینیم که نه تنها روایات شیعه و سنی در مقابل یکدیگرند، بلکه روایات شیعی هم مبتلا به تضادهایی می‌باشند، چنانکه اختلاف مسافت بین چهار فرسنگ، ده فرسنگ و دوازده فرسنگ، کاملاً واضح است.

و تفاوت زمانی سفر در روایات نیز، یک روز راه و یک شبانه روز و دو روز راه و سه روز راه است، و از جهت زحمت سفر نیز **﴿وَيَأْهُمْ وَأَيُّ سَفَرٍ أَشَدُّ**

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

مِنْهُ^۱) در صحیحه‌ی فضلای سه‌گانه در باره‌ی تقصیر نماز در سرزمین «منی» آمده، که مشقت و سختی را میزان قصر مقرر کرده است و این هم خود مشقتی زیان‌بار در تکمیل کیفیت نماز است و نه در تعداد رکاعتش. و بالاخره فتاوای مختلفی پیرامون موضوع قصر نماز و روزه در «سفر» وجود دارد بدین صورت که:

اصلًا در نماز مسافر هیچ‌گونه قصری وجود ندارد^۲ در هر سفری - هر اندازه هم کم باشد - نماز، قصر است^۳ و نیز در یک فرسنگ،^۴ هشت فرسنگ،^۵ دوازده فرسنگ، دو روز که شانزده فرسنگ بوده و در یک روز راه^۶ قصر نماز مطرح شده است!

ولی بالاخره این تضاد - بین روایات از یک طرف، و میان اقوال از طرف دیگر - باید بر محور محک اصلی اسلام که قرآن است حل شود، که نتیجه‌اش انحصار قصر در کیفیت نماز و افطار روزه به زمینه‌ی خطر و ضرر است، که به اندازه رفع این دو از کیفیت نماز کاهش داده می‌شود، و روزه نیز کلاً ترک می‌گردد.

این حکم ضروری میان مسلمین است که این‌گونه بر خلاف مبانی کتاب و سنت می‌باشد، تا چه رسد به احکامی غیر ضروری چه مشهور و یا

۱- وسائل الشیعه، ابواب صلاة المسافر، باب ۳، ح-۱- عن معاویة بن عمار آنه قال لأبى عبد الله علیه السلام «إِنَّ أهْلَ مَكَّةَ يَتَمَّونَ الصَّلَاةَ بِعِرْفَاتٍ، قَالَ: وَيَلَهُمْ أَوْ وَيَحْمُمُهُمْ أَيُّ سَفَرٍ أَشُدُّ مِنْهُ لَا، لَا تُنِيمُ».»

۲- چنان‌که از محمد بن الحسن نقل شده و نظر ما نیز همین است.

۳- از دحیه‌ی کلبی است.

۴- بعضی از علمای سنتی مذهب.

۵- رأى معمولى اكتيريت فقهاء شيعه است.

۶- این نظریه، فتاوی سید نورالدین صاحب مدارک و شهید اول صاحب وسیله و چند نفر دیگر از علمای شیعه است. بالاخره در حکم نماز مسافر میان فقهاء سنتی بیست فتاوی مختلف و در میان شیعه هم چند فتوا مطرح شده است.

اجتماعی، که اگر دلیلی از کتاب و سنت قطعیه نداشته، و یا برخلاف آنها بوده باشد، در هر دو صورت از دیدگاه اسلام مردود است.

* * *

و اینک نظراتی از علمای شیعه ذکر می‌گردد که خود تفاوت در حکم نماز مسافر را مشخص می‌کند، بدین گونه که:

۱ - اگر مسافر در ضمن وقت نماز، سفر کرد، باید نماز را تمام بخواند که این نظریه میان متأخرین مشهور است.^۱

۲ - در صورت فوق هم باید نماز را قصر نماید.^۲

۳ - اگر وقت باقی است نماز را تمام بخواند و گرنده آن را قصر کند.^۳

۴ - اگر زمان و مسافت سفر برابر بودند که حکم آن معلوم است، ولی اگر اختلاف داشتند، ظاهر کتاب «ذکری» (تألیف شهید اول) این است که مقدار مسافت یک روز راه ترجیح دارد، چنان که در «کشف الا لتباس» و «الموجز الحاوی» نیز چنین آمده و در «المدارک» و «الذخیرة» تخيیر میان قصر و اتمام است، و در «المصابیح» آمده که هر کدام را توانست واجب است انجام دهد و اگر هر دو را توانست مخیر است، گرچه در این صورت میزان هشت فرسنگ تقدم دارد، و شهید ثانی در «الروض» یک روز راه را برگزیده، چنان که در «مجمع البرهان» نیز ذکر شده است.

۱ - چنان که از «حسن» نقل شده و مورد پذیرش مقنع، منتهی، مختلف، تحریر، تذکره، نهایه الاحکام، ارشاد، ایضاح، دروس، بیان، لمعه، موجز، مختصر، جعفریه، جامع المقاصد، فوائد الشرایع، تعلیق النافع، ارشاد الجعفریة، المیسیة، الغریة، الروضۃ و المسالک است.

۲ - چنان که از علی بن الحسین صدق در «الرسالة» و سید در «المصباح» و مفید و «خیرۃ الفقه» منسوب به امام رضا ع و مبسوط، سرائر، شرایع، نافع، تبصره، مجمع البرهان، مدارک، الروضۃ، رساله‌ی صاحب عالم، النجیبیة، مفاتیح، ریاض، مصایب و در حاشیه‌ی «مدارک» آمده است.

۳ - چنان که در «استبصار»، «تہذیب»، «فقیه»، «مبسوط»، «الکامل»، و «النهایة» آمده است.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

۵ - اگر مدت مسافرت به گونه‌ای طولانی شود که از صدق سفر بیرون رود ظاهراً حکم مسافر را ندارد و باید نماز را به طور کامل بخواند، چنان که شهید اول در «الذکری» آورده است.

کوتاه سخن درباره‌ی قصر نماز و افطار روزه این است که کاستی از کمیت یا کیفیت نماز - بدون هیچ علتی به جز پیمودن مسافتی - که احياناً از اقامت در وطن هم راحت‌تر است برخلاف نصوصی از قرآن و موازین فقهی است و با هیچ میزان معقول و مقبولی قابل پذیرش نیست.

بالاخره علت اصلی تمامی اختلافات بین علمای اسلام، عمل نکردن به فرمان قطعی الصدور و متواتر «وجوب به عرضه‌ی احادیث به قرآن» است که متأسفانه اکثریت حوزویان با برچسب «ظنی الدلاله^۱» به قرآن، نخست

۱- اصطلاحی است که در اصول فقه سنتی رایج در حوزه‌های علمیه به قرآن نسبت داده می‌شود و مقصود از آن این است که «دلالت معانی لغات قرآن در حد ظن و گمان است» در نتیجه علم به معنای لغت قرآن حاصل نمی‌شود، مگر با بیان حدیث که این خود «دور مصرح» را دربر دارد، زیرا اهل‌بیت رسالت ﷺ برای شناخت درستی و نادرستی احادیث، مردم را به «وجوب عرضه‌ی احادیث به قرآن»، امر فرموده‌اند.

و اگر - فرضًا قرآن «قطعی الدلاله» نباشد، این عرضه بیهوده است و در این صورت نه قرآن و نه حدیث، هیچ‌کدام حجت شرعی نیستند که نتیجتاً بر اساس آیه‌ی: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» ۳۶:۱۷ عمل به احکام اسلام، حرام خواهد بود. حال آن که اولاً خدای سیحان می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هُنَّ فَوْمٌ» (۹:۱۷) «همانا این قرآن، به آن چه استوارتر، محکم‌تر و ارزشمندتر است، هدایت می‌کند. و ثانیاً حضرتش امر فرموده که به وسیله‌ی قرآن دارای عصمت شوید، چنان که می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَجْلِ اللّٰهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفْرَقُوا» (۳:۱۰۳) «و همگی به وسیله‌ی ریسمان خدا [ابا کوشش] [دارای] عصمت [علمی] شوید و [ابا همدیگر] از پیرامون این ریسمان [متفرق نگردید].»

و از آن‌جا که عصمت عقیدتی و عملی منحصر به معصومین علیهم السلام و در می‌یابیم که آیه‌ی کربلیه به عصمت علمی قرآنی امر کرده است. حال اگر نتوانیم به وسیله‌ی قرآن، از نظر علمی، معصوم از خطأ شویم، معناش این است که خدای سبحان معاذ الله - به محال امر فرموده، و این خود افتراضی کدب است که از ساخت قفسش به دور است.

بنابراین معتقدین و متمسکین به قرآن، بهتر و والتر از همگان به حقیقت اسلام رسیده‌اند و با عرضه‌ی احادیث بر قرآن، با کمال اطمینان به سخنان قطعی پیامبر و اهل‌بیت ﷺ دست یافته‌اند. و

راه علم به شرع را بسته‌اند و سپس برای معنی کردن قرآن، توصل به روایت را – که ظنی بودن سند و دلالتش بسیار زیاد است – تنها راه فهم قرآن دانسته‌اند.

عجب‌با! این چه اعجاز عالی در فصاحت و بلاغت قرآن است که ظنی است! ولی سخنان دیگران که بر مبنای عقل و روشنگری باشد، قطعی است! ما هرگز چنان تهمتی را از کفار و معارضان قرآن هم در طول تاریخ اسلامی نشنیده‌ایم که به قرآن نسبت داده باشند!!^۱

این بهتان به عنوان «قداست قرآن»، به دست دوستان جاهل شایع شده و کتمان بیان قرآن، توسط گروهی از حزویان را در پی داشته و مع الاسف در حوزه‌های اسلامی، رنگی ثابت به خود گرفته است.

چنان که نصوصی از قرآن را که کاملاً واضح است نمی‌پذیرند، مثلاً معنای حرمت ازدواج با زنا کار را در آیه‌ی **﴿حرّم ذلك علي المؤمنين﴾**، به **«جواز»** تبدیل می‌کنند یا معنای جو布 وصیت را در آیه‌ی **﴿كُتبٌ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ عَهْدَكُمُ الْمُوْتَ حِنْ أَنْ تُرْكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ عَلَى الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾** به استحباب مبدل می‌نمایند و یا معنای جواز اعتکاف در کل مساجد را در آیه‌ی **﴿وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾** به مساجد جامع منحصر می‌کنند. البته نصوص کتمان شدهی قرآن توسط آنان بسیار زیاد است که بیش از پانصد نص مهجور قرآنی را در رساله‌ی

اینان همان مصلحانند که قرآن درباره‌ی آنان می‌فرمایند: **«وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾** (۷۰:۷) (و کسانی که به وسیله‌ای کتاب قرآن، [خود و دیگران را از خطای نگاهبانی می‌کنند و نماز را بربا می‌دارند، [مصلحند] همانا ما پاداش مصلحان را ضایع نمی‌کنیم).

۱- فعلاً هیچ سندی در دسترس نیست که نشان دهد کافران عصر پیامبر ﷺ و یا ادوار بعد، در قبال معجزه‌ی فصاحت و بلاغت علیای قرآن، به خود جرأت داده باشند که تهمت «ظنی الدلالة» را بر قرآن روا دارند! حتی گروهی «پانصد نفره» از علمای اهل کتاب که به تحریف و تناقضات فراوان در تورات و انجیل، اعتراف کرده‌اند، تورات و انجیل را «ظنی الدلالة» نمی‌دانند!! برای آگاهی بیش‌تر به کتاب «رمز وحدت در شریعت» مراجعه شود.

فقهی استدلالی «تبصرة الفقهاء» و رساله‌ی «الفقهاء بین الكتاب و السنّة» آورده‌ایم. اگر چه قرآن با آیاتی چون:

«هذا بیان للناس»، «قد جاءكم برهانٌ من ربكم و أنزلنا اليكم نوراً مبيناً»، «تبیاناً لکل شیء»، «قرآنٍ مبین»، «هذا بصائرٌ من ربكم»، «آیاتٍ بیّناتٍ»، «قرآنٌ عربیاً غیر ذی عِوْج»، «ولم يجعل له عوجاً. قیمماً لینذرَ بأساً شدیداً من لدنه»، «القرآن هدی للناس و بیّناتٍ من الهدی و الفرقان»، و...؛ تهمت «ظنی الدلاله» را از ساحت قدس خود نفی کرده و کتمان کنندگان بیان قرآن را مورد تهدید شدید الهی قرار داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا يَبَيِّنُهُ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ أَوْئِلَكُمْ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ الْلَاعُنُونُ» (۱۵۹: ۲)؛ «بِيَكْمَانَ كَسِيْرَ رَا آنَ چه را ما از آیات روشن و هدایت نازل کردیم، کتمان می‌کنند، پس از آن که آن‌ها را در قرآن برای مردم آشکار کردیم، اینان را خدا لعنت می‌کند و لعنت کنندگان [نیز] آنان را لعنت می‌کنند».

در پایان با عنایت به شکایت پیامبر اکرم ﷺ در قرآن که: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي إِتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (۲۵: ۳۰)؛ «وَپیامبر گفت: پروردگارا! همانا قوم من [الفاظ] این قرآن را دور شده [از معانی اش] در بر گرفتند». از فقهاء و اندیشمندان اسلامی با اصرار و تمثیل می‌خواهیم که اسلام عزیز را در تمامی علوم اسلامی از نو بر پایه‌ی کتاب الله و سنت قطعیه‌ی رسول خدا ﷺ و سیره‌ی ائمه‌ی مصصومین علیهم السلام بررسی کنند، و ساحت قدس قرآن مبین را از تهمت ناروای «ظنی الدلاله» مبرأ بدانند و بیان روشن و متقن قرآن را که «قطعی الدلاله» است، بر کل نظرات و روایات متناقض و یا غیر ثابت مقدم دارند، و این عادت جاهلانه‌ی تقدس مآبانه را از جامعه‌ی اسلامی بزدایند که: مگر علمای دیگر اشتباه کرده و یا عمداً بر خلاف قرآن فتوا داده‌اند! که شما برخلاف آن‌ها فتوا می‌دهید! زیرا بر پایه‌ی هر دوی اجتهاد و تقليد، پیروی و

بزرگ‌داشت نظراتی که بر خلاف قرآن می‌باشد محاکوم است، به ویژه «اجتهاد» که هرگز تقليید بردار نیست، که شما با دیدگاه اجتهادی بر اساس قرآن و سنت قطعیّه حکمی را بفهمی، ولی چون بر خلاف نظرات علمای دیگر است، جرأت پیروی از حکم الهی را نکنی!

بدترین سفاهت و کج روی این جرأت توهین‌آمیز است که به ملاحظه‌ی نظرات علماء، بر خلاف «كتاب الله» فتوا دهی. و صاحب‌نظران راستین را به کزی و کج سلیقگی متهم سازی!

آری؛ این است راه آزاد در شناخت دین بدون هیچ‌گونه تحمیلی و رها از هر قید و بندی، تا بینیم علمای آزاده‌ی آزاداندیش و امت اسلامی با آن، چه برخوردی می‌کنند. «.. لَ تَدْرِي لِعَلَّ اللَّهُ يُحِثِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»

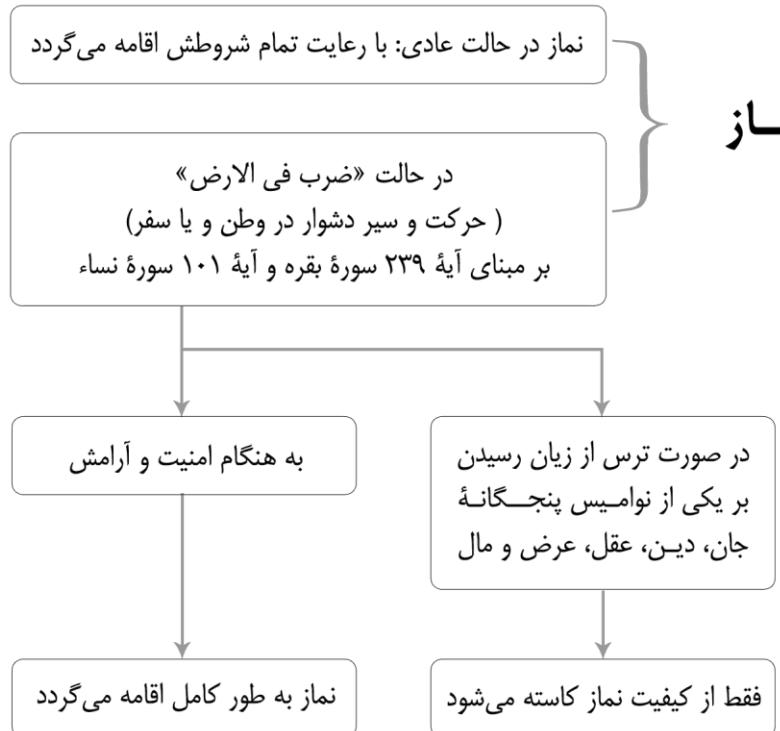
چهارشنبه - عید فطر ۱۴۱۳ ه. ق. - ۱/۴/۱۳۷۲

حوزه‌ی علمیه قم - محمد صادقی تهرانی

جامعه‌ی علوم القرآن / تلفن: ۳۲۹۳۴۶۲۵

- با توگل به خدای سبحان، بیش از پانصد فتوای فقهی که مخالف نظرات مشهور علمای شیعه و سنتی است، با تحقیق دقیق در رساله‌ی استدلالی «تبصرة الفقهاء» و نیز تعداد بسیاری از آن‌ها را در «رساله‌ی توضیح المسائل نوین» از قرآن و سنت نقل نموده‌ایم.

«نمودار خلاصه کتاب»



* * *

قال الإمام أمير المؤمنين عليه السلام
«وَتَمَسَّكْ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَأَسْتَنْضَحْهُ وَأَحْلَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ»
و به ریسمان خدا چنگ زن و آن را پند دهندهی خویش قرار ده
و حلالش را حلال و حرامش را حرام بدان.
«نهج البلاغه»

* * *

منظاره مکتوب

پیرامون نماز مسافر

* * *

اینک مشتاقان «منظاره» بین فقه اعلای قرآنی و فقه سنتی
می‌توانند چهره «حقیقت مهجور قرآنی» را به عیان مشاهده کنند.

متن نتیجه‌ی بررسی حضرت آیة‌الله آقای ابوطالب تجلیل تبریزی

درباره‌ی رساله‌ی نماز و روزه‌ی مسافران (نامه‌ی اول)^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیة‌الله آقای صادقی تهرانی

السلام عليكم و رحمة الله

لازم داشتم به دوست چهل و پنج سال پیش خود، نتیجه‌ی بررسی خود را در مورد جزویه صلاة مسافر معروض دارم.

در مورد آیه‌ی قصر = آیه‌ی شریفه به حسب منطق دلالت‌دار بر قصر صلاة در سفر در صورت خوف از فتنه‌ی کفار، و از حکم صلاة در سفر در صورت عدم خوف از فتنه‌ی کفار ساكت است. و اما دلالت به حسب مفهوم منوط به این است که ذکر قید جهت دیگری نداشته باشد، مثلًاً اگر مولی بگوید اگر زید آمد به او احترام کن، در صورتی که آمدن زید فعلاً مطرح است دلالت نمی‌کند که اگر زید نیامد به او احترام لازم نیست. همچنین موقع نزول آیه چون خوف از فتنه‌ی کفار در سفرها مطرح بود، ذکر آن در آیه‌ی قصر دلالت نمی‌کند که اگر خوف متفقی شد دیگر نباید قصر کرد.

در مورد حکم قصر صلاة در اسلام = قصر صلاة در مطلق سفر به امر رسول الله ﷺ و اجماعی میان همه‌ی مسلمین، در تمام ازمنه از زمان رسول الله ﷺ تاکنون است، و احدی از فقهاء سنی و شیعه تاکنون حکم قصر را مخصوص خوف از فتنه‌ی کفار ندانسته است، تنها اختلافی که میان عame و خاصه وجود دارد در رخصت یا عزیمت بودن حکم قصر است، و ثانیاً در تمام احادیث صلاة مسافر در وسائل مشتمل بر ۲۹ باب و حاصل جمع

۱- از این صفحه به بعد، آن چه در زیرنویس صفحات یا داخل [کروشه] آمده، در متن اصلی نامه‌ها نبوده و نکاتی الحاقی است.

تعداد احادیث ذکر شده در آن‌ها (۲۲۹) حدیث است،^۱ در هیچ کدام از آن‌ها قید خوف ذکر نشده و در همه‌ی آن‌ها موضوع حکم قصر سفر بدون قید خوف است^۲ در صورتی که مورد ابتلاء مردم از زمان نزول آیه که زمان خوف از کفار بود، پس از تسلط مسلمین در زمان رسول‌الله تا زمان ما هیچ‌گاه خوف کفار در مسافرت‌های معمولی مسلمین مطرح نبود، و همه‌ی این احکام قصر را در محیط‌های اسلامی که خوف از کفار مطرح نبود به مردم القاء شده است، و در مورد بعضی از آن‌ها خصوصیاتی دارد مانند قصر در رفتن حجاج از مکه به عرفات. و قصر در مکه و مدینه که همیشه تحت سیطره‌ی اسلام است، اصلاً خوف از کفار در مورد آن‌ها معنی ندارد. و ثالثاً قصری برای صلاة خوف^۳ رکعت تعیین شد که یک رکعت بخواند کافی و صحیح است. و برای صلاة مسافر دو رکعت، اصولاً رکعات و تعداد آن‌ها برای نماز با سنت تعیین شده نه با قرآن کریم، تا چه رسد به تعداد رکعات آن در سفر.

۱- اولاً: در وسائل الشیعه تعداد احادیث ابواب صلاة مسافر ۲۴۷ حدیث است. ثانیاً: اگر درباره‌ی حکمی فقهی، هزار روایت داشته باشیم که راوی اول از معصوم علیه‌السلام، یک نفر باشد، مجموع آن‌ها یک روایت محسوب می‌شود. ثالثاً: از ۲۴۷ روایت مذکور، حدوداً ۱۶ روایت، قصر عددی نماز در سفر را مطرح کرده و ۱۴ روایت، نیز بر قصر نمازهای ۴ رکعتی به دو رکعت دلالت دارد که در این میان هفت روایت، دارای سندهای مقطوعه و مضمره هستند و یا این‌که اصلاً سند ندارند. و ۷ روایت هم با سند متصل به معصوم منسوبند که در روایت از آن دارای رجال تضعیف شده هستند!

می‌ماند ۵ روایت با سند متصل منسوب به معصوم^۴ که مهالف دو نص قرآنی است و فتوای مشهور از آن اتخاذ شده، حال آن که تقریباً در ۲۷ روایت، قصر به طور مطلق ذکر گردیده است که در اینجا هم با لنجام وظیفه‌ی شرعی «وجوب عرضه‌ی احادیث به کتاب الله»، قضیه حل است، زیرا نص دو آیه‌ی خوف، چنان قصری را به انحصار قصر کیفی در حال خوف، حمل می‌کند. و حتی با عدم رجوع به قرآن نیز تعارض روایات ابواب صلاة المسافر، موجب تساقط آن‌هاست.

۲- ولی در بعضی روایات - مانند صحیحه‌ی فضلای سه گانه، قید مشقت ذکر شده و روایاتی هم که در آن‌ها خوف قید نشده، باید نص دو آیه‌ی خوف تقيید گردند و بسی شگفتانگیز است که در فقه سنتی، نص و یا ظاهر آیاتِ عام و یا مطلق را با روایت تخصیص و تقيید می‌کنند؛ ولی از عکس آن اجتناب می‌ورزند!!

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

در مورد شباهای هم که درباره مسافت سفر قصر نگاشته بودید وجه اندفاع آن را بدون اسناد به کسی در «تعليقات عروة الوثقى» که به طور تحقیقی نوشتہام ذکر کرده‌ام انشاء‌الله تعالی پس از طبع به حضورتان تقدیم می‌دارم.

و السّلام عليکم و رحمة الله - ابوطالب تجلیل التبریزی ۷۳/۴/۲۶



متن پاسخ حضرت آیة الله العظمی صادقی تهرانی

(پاسخ نامه‌ی اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد السلام عليکم و رحمة الله

این اولین جوابه‌ای است که پس از حدود سی سال در مورد نظریه‌ی نماز قصر دریافت داشته‌ام، ولی اگر حضر تعالی جزوی «مسافران» را با دقت بر مبنای آیات قرآنی ملاحظه فرمایید و اصاله القرآن را منظور نظر دارید، لاقل مسئله‌ی قصر در نظرتان مردّ خواهد شد. ما در «تبصرة الفقهاء»، «نماز مسافر»، «الفرقان» و... که طبعاً به نظر مبارکتان نرسیده، او لا نماز قصر را مخصوص «مسیرة يوم» دانسته‌ایم، که در این‌باره هم، از علمای بزرگ، همراهانی داریم. و در چند سال اخیر نیز کلاً قصر را در اختصاص خوف می‌دانیم.^۱ تمسّک ما هم به مفهوم آیه نیست، زیرا سنت قطعیه که تعداد رکعات نماز را تعیین نموده، بر مبنای **«أطیعوا الرّسول»** مقبول است، و روی

۱- چه در حضر و یا سفر، اگر چه به دور کره‌ی زمین باشد و یا با فضاییما به آسمان سفر کنیم، البته این تکامل فتوا به سبب نفی کامل پیش‌فرضها و افکار غیر مطلق حوزوی بوده است که با انجام صد در صد وظیفه‌ی وجوب «عرضه‌ی احادیث به قرآن»؛ و در نهایت بی‌اعتنایی به اجماع و شهرت؛ حکم «بما أنزل الله» را بر مبنای **«أُلْهِي يُتَكَبِّرُونَ»** عیناً از متن کتاب و سنت نقل نموده‌ایم.

این اصل، این تعداد [هم] قرآنی است، قرآن هم فقط در صورت خوف آن را در قصر و دیگر هیچ.

وانگهی [لفظ] قصر در آیه‌اش [اگر چه] هر دو بعد کمی و کیفی را شامل است، [ولی در اینجا تنها قصر کیفی مراد است].^۱

و در اینجا برخلاف بعضی جاهای دیگر، حتی استدلال به مفهوم هم درست است و معنی ندارد که «ان خفتم» قصر و «ان لم تخافو» هم قصر باشد، گرچه قیدی دیگر هم می‌تواند پس از «ان خفتم» در کار باشد،^۲ و نه نفی مطلق که «إن لم تخافوا» باشد [بدین معنی که چه بترسید و چه نترسید کاستی از نماز واجب است !!]

وانگهی در آخر آیه می‌فرماید: «فإذا طمأنتم فاقيموا الصلاة» که این اقامه، مقابل قصر قبلی و برای اتمام نماز است.

۱- زیرا خوف هرگز سبب کاستن از تعداد رکعات نماز نیست، بلکه فقط موجب کاستی از کیفیت نماز است. بدین صورت که با پیاده روی، یا دویدن، سوار شدن به وسیله‌ای متحرک یا هر نوع تدبیر امنیتی دیگر، باید از مکان خوفناک دور شویم و در حین فرار، نماز را به جا آوریم. البته کیفیت رکوع و سجود به «اشاره» تغییر پیدا کرده و فقط به «ذکر الله» اکتفا می‌شود.

۲- البته به شرطی که «قید دیگر» نقیض با منطق آیه نباشد، ولی خوف و عدم خوف نقیض یکدیگرند، که این مفهوم مانند منطق، نصّ است و قابل تردید نیست و جمع آن دو با هم مسلمانًا اشتباه است، زیرا مفهوم دو گونه است:

(۱) مفهوم نقیض، چنان‌که در بخشی از آیه ۱۰۱ نساء ملاحظه می‌شود که در جمله‌ی «اگر بترسید» منطق آیه‌ی با مفهومش اگر: «اگر بترسید»، تناقض دارد و جمع میان آن دو، جمعی بین متناقضین است، زیرا متعلق نصّ آیه؛ ترس در جنگ است و هیچ قید دیگری ندارد، بلکه متعلق اطلاقش کل خوف‌هاست.

(۲) مفهوم غیر نقیض، مانند این که «اگر هم ترسی غیر جانی داشتید» حکم همان است، چنان‌که در آیه‌ی بقره مطلق ترس، علت حکم قصر بیان شده؛ یعنی اگر هم بر جان ترسید ولی بر سایر نوامیس بترسید، حکم «فِرِّجَالُ أَوْ رُكْبَانًا» هم چنان جاری است، زیرا اطلاق آیه‌ی بقره شامل هر خوفی می‌شود، چون متعلقش جنگ نیست یعنی علاوه بر خوف جانی، خوف بر دین، عقل، عرض و مال را نیز در برابر و خوف‌های پنج‌گانه نقیض هم نیستند.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

پس بر حسب صدر و ذیل آیه حتی بدون تممسک به مفهومش که [در اینجا] جایز هم هست، نماز در حالت خوف، قصر، و در صورت عدم خوف و اطمینان، تمام است. [که خوف و عدم اطمینان، و یا عدم خوف، و اطمینان]. و این خوف که موجب قصر است اعم از سفر و حضر بوده و عدمش نیز چنان است، که اصولاً [صرف] سفر، برای قصر نماز، [هرگز] نقشی ندارد. مگر سفری که «فان خفتم فرجالاً او رکباناً» باشد، که در گذشته چنان خوفی وجود داشته، و اینجا قصر از کیفیت نماز است، و نه از کمیتش - و در صورت قیدیت خوف، نبودش در احادیث، دلیل عدمش نیست، غایهُ الامر، معارضه میان قرآن و حدیث خواهد بود که آن هم حلّ است. و بالآخره از نظر بعضی احادیث مانند صحیحه‌ی فضلای ثلاثه، مشقت، و بعضی دیگر «مسیره یوم» [معیار قصر] است که هر دو را باید در اختصاص قصر کیفی بدانیم، در قرآن هم «ان خفتم» حکم را به وضوح بیان فرموده است. و کثرت احادیث و اقوال در برابر قرآن، هرگز برای فقیه، نقشی ندارد.

ما از این قبیل تقدّراتِ فقهی و یا خلاف مشهور و اجماع زیاد داریم، که با بررسی «تبصرة الفقهاء» روشن می‌شود.

[اشکال] عمدۀ این است که فقهاء ما و سنّی‌ها نیز محور قرآنی را فدای حدیث، شهرت و اجماع نموده‌اند. و در نتیجه بسیار از فتاوا بر خلاف نصّ و یا ظاهر مستقرّ قرآن است، اگر توفیق تلافی آزادی بود، با آن برادر عزیز، به طور مفصل بحثی خواهم داشت، تا بتوانیم دریابیم که فقه قرآن چقدر مظلوم و بی‌رنگ است.

و السّلام عليکم و رحمه الله و برکاته
قم المشرفة – محمد صادقی تهرانی ۱۳۷۳/۴/۲۸

«نامه‌ی دوم به تاریخ ۱۳۷۳/۴/۳۰»

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای... دکتر صادقی

سلام عليکم؛ به آیه‌ی شریفه‌ی «فَادا اطْمَانْتُمْ فَاقِمُوا الصَّلَاةَ» تمسک نموده‌اید که به مجرد رفع خوف باید نماز اتمام شود. توجه فرمایید: طمأنینه و اطمینان در لغت به معنی سکون است، بنابراین معنی آیه این است: وقتی از حرکت باز ایستادید اقامه‌ی صلاة کنید.

بلی اگر طمأنینه و اطمینان به قلب اسناد شود مانند آیه‌ی «لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي» به معنی سکون قلب است که مقابل آن تردید است نه خوف.

سنت قطعیه رسول الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام که بر تواتر ثابت است آن است که صلاة در سفر قصر است و خوف در آن شرط نیست، چه خوف از فتنه‌ی کفار و چه خوف دیگر، قرآن کریم در تفاصیل احکام شرعیه امر به اطاعت از رسول الله و ائمه معصومین علیهم السلام نموده و می‌فرماید: «أطِيعُوا اللَّهَ وَ أطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ أَمْرٌ مِنَّا».

و السلام على من اتبع الهدى»

* * *

«پاسخ نامه‌ی دوم»

بسم الله الرحمن الرحيم

دوست عزیز حضرت آیة الله تجلیل تبریزی «وَفَقَهَ اللَّهُ لِتَفْقِهِ الْقُرْآنِ الْمَهْجُورِ» پس از عرض سلام و دعای خیر برای آن عزیز که انشاء الله از قشاوات و غشاوات حوزه‌ای که - انسان را از معارف قرآنی دور می‌کند - نجات یابید؛ باز هم معلوم می‌شود به مدارک دوستان راجع به صلوة قصر مراجعه‌ی عمیق نفرموده‌اید، و تنها در پاسخ یکی از پنج ایرادی که در جواب نامه‌ی اول

جناب عالی عرض شد، مرقوم داشته اید که «فإذا أطمائنتم» سکون است، با این که این اطمینان در مقابل خوف قبلی است و نه حرکت. وانگهی در حال صلوة، حرکت و راه رفتن در کار نیست [تا اطمینانش بی حرکتی باشد] و همچنین از نظر لغت، اطمینان، سکون بدن نیست بلکه آرامش در برابر خوف و اضطراب است، و من نمی دانم کتاب الله چه گناهی مرتکب شده است که باید بر خلاف نص و ظاهرش این گونه اصرار به عمل آید، و بالاخره در اینجا اطمینان که حکم‌ش اتمام نماز است در برابر خوف قرار گرفته که حکم‌ش، قصر از [کیفیت] نماز می باشد.

و اما روایات صلوة قصر در سفر بدون خوف، که تواترشنان،^۱ سنت رسول الله و ائمه معصومین علیهم السلام را ثابت نمی کند، هر چند هم زیاد باشد، در برابر نص و حتی ظاهر مستقر قرآن نقشی ندارد و قطعاً شهرت، اجماع و یا ضرورتی که بر خلاف قرآن باشد جعلی است، وانگهی این حکم صریح خصوصی قرآن است که تفصیلی ندارد و معارضش صریحاً مردود می باشد، در پایان هم لطفی پایانی فرموده اید که: «و السَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ».

آیه‌ی شریفه‌ی مذکوره، جمله‌ی ختامی است نسبت به غیر مسلمان‌ها به امید مسلمان شدن آن‌ها، و من از سیزده سالگی که مکلف شده‌ام، روز به روز، اسلامم بر مبنای قرآن و سنت موافقه‌اش تبلور یافته و قوی‌تر می شود [و کافر نیستم].

و السَّلَامُ عَلَىٰ عَبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
قم - محمد صادقی تهرانی ۱۳۷۳/۵/۳

* * *

۱- در حالی که متواتر هم نیستند و البته همان طور که پیش از این بیان کردیم، تعارض روایات ابواب صلاة المسافر با هم موجب تساقط آن‌هاست و اگر هم — فرضًا — هیچ تعارضی با هم نداشتند، پس از عرضه بر قرآن، به علت معارضه با آن، طرد می شوند.

«نامه‌ی سوم»

بسم الله الرحمن الرحيم

با اعتذار از تأخیر جواب، نامه‌ی دیگری به اعضاء حضرت عالی دیروز که از سفر مراجعت کردم به دستم رسید، ناچار شدم با وجود مشغله زیاد این چند کلمه را برای اتمام حجّت بنویسم انشاء الله که این نامه‌ها مکتوب خودتان نمی‌باشد^۱ اینک عین نامه ارجاع و نقاط ضعف آن را علامت‌گذاری و به ترتیب متذکر می‌شون

(۱) «إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ...» و «فَإِذَا اطْمَأْنَتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» دو جمله‌ی شرطیه هستند که با کلمه‌ی اذا (ادا شرط) شروع شده است. جمله‌ی اولی بیان‌گر حکم قصر، و جمله‌ی دومی بیان‌گر حکم اتمام است، و شرط در جمله‌ی شرطیه‌ی اول ضرب در ارض؛ و در جمله‌ی شرطیه‌ی دوم اطمینان است. و به قرینه‌ی مقابله مراد از اطمینان مقابل ضرب در ارض یعنی سکون و باز ایستادن از سفر است.

(۲) در نماز سکون بدن لازم است ولی توقف به قدر اداء نماز منافات با صدق صلاة در حال سفر یعنی در خلال سفر که حرکت و سیر در ارض است، ندارد. زیرا نزول در اثناء سفر برای استراحت و سایر حوائج ضروری منافات با صدق سفر ندارد.

(۳) اطمینان در لغت به معنی سکون است در «لسان العرب» می‌گوید: «طَمَانٌ الشَّيْءُ سَكْنَهُ وَ الْمُطَانِيَّةُ السَّكُونُ اطْمَانٌ الرَّجُلُ اطْمَئْنَانًا وَ طَمَانِيَّةُ اى سَكْنٍ... وَ اطْمَانٌ قَبْلَهُ اى سَكْنٍ» و در «قاموس» گوید: «الطمئن بالفتح الساكن كالطمئن، و اطمأن الى كذا اطمیناناً و طمأنينة و ذاك مطمئن... الى أن قال و من الامر سكن» و در «مفردات الراڠب» گوید: «الطمأنينة السكون بعد

۱- نامه‌ها به انشاء این جانب تحریر شده و اگر احیاناً به خط خودم نیست اولاً به علت مشغله فراوان است، چنان‌که مراجعی دیگر هم تنها به اعضاء هایشان مبادرت می‌کنند و در ثانی به جهت عدم توانایی دستم در نوشتن است که احیاناً به اعضاء اکتفا می‌شود.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

الانزعاج» زعجه قلعه من مکانه فائزوج کما فی القاموس. و در «مجمع البحرين» گوید: «فاذَا اطْمَأْنْتُمْ أَىْ اقْمَتُمْ، يقال اطمأن بالوضع اقام به و اتخذه وطنًا».

(٤) توافر آن است که افاده یقین کند و با کلام متواتر از معصوم ظاهر قرآن تفسیر می‌شود. (اگرچه ما نحن فیه همانطور که بیان شد خلاف ظاهر نیست). شما انشاء الله تعالی از کسانی که گفتد کفانا کتاب الله نیستند بلکه از پذیرفتگان اعلام رسمی رسول الله ﷺ که در کتب سنی و شیعه به طور متواتر نقل شده است هستید که فرمود: «إِنِّي تَارِكُ فِيمَكُمُ الشَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي لَنْ تَضَلُّوا مَا انْتَمْسَكْتُمْ بِهِمَا وَ لَنْ يَفْتَرُقا حَتَّى يَرْدَا عَلَى الْحَوْضِ»

(٥) ضروری هرگز بر خلاف قرآن نمی‌شود اگر چه از آیه‌ی متشابهی خلاف آن توهّم شود، انشاء الله تعالی شما هرگز انکار ضروری نمی‌کنید. در خاتمه این آخرین نامه‌ای است که به حضورتان می‌نویسم و اگر نامه‌ی دیگری به نام حضرت عالی رسید با کمال معذرت پذیرفته نخواهد شد.^١

ابوطالب تجلیل التبریزی ٧٣/٥/٢٣

* * *

«پاسخ نامه‌ی سوم»

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام - که مانند پذیرفتن پاسخ نامه‌ی سوم‌تان از آن [هم] معذور بودید - گرچه به علت اعتذارات این پاسخ خدمتستان ارسال نمی‌شود، ولی به

۱- قال الإمام علي عليه السلام: «.. سيأتي عليكم من بعدى زمان... نبذ الكتاب حملته... فالكتاب و أهل الكتاب في ذلك الزمان طريدان منفيان و أصحاب مصطلحان في طريق واحد لا يؤويهما مؤءوا» .. به زودی بر شما بعد از من زمانی می‌آید که... عالمان دین [معانی آیات] [قرآن را] [دورا] می‌افکرند... پس قرآن و اهل قرآن در آن زمان، طرد شدگان حذف شده [از جامعه، أما] همراهانی همگام [با هم] در يك راه هستند [ولي] هيج پناه دهنده‌ای، آن دو را پناه نمی‌دهد.»
بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٣٦٥ و (نهج البلاغة، خطبه‌ی ١٤٧).

منظور تکمیل بحث و آگاهی خوانندگان و خواهندگان حقیقت عرض می‌شود، شما در این نامه اصرار دارید – مانند بعضی دیگر از فقهاء – آیه‌ی قصر از دلالت بیفتد تا مجالی وسیع برای ادله‌ی دیگر بازگردد.

شما اصرار دارید «فإِذَا اطْمَأْنَتِمْ» به معنی سکون و آرامش پس از برگشت از سفر است، با آن که شرط اصلی «إِنْ تَقْصُرُوا»، «إِنْ خَفْتُمْ» است، بلکه اصولاً «إِذَا ضَرِبْتُمْ» ظرفیه است و نه شرطیه!^۱ چنان‌که در تیمم بدل از وضو و غسل هم «أَوْ عَلَيْكُمْ سَفَرٌ» تنها بیان‌گر زمینه‌ی نیافتن آب است در گذشته چنان بوده، و بالاخره «فإِذَا اطْمَأْنَتِمْ» پس از «إِنْ خَفْتُمْ» تنها زوال خوف است، و زمینه‌ی خوف هم جنگ و حمله‌ی دشمن است، چه در سفر و چه در حضر، که اگر نماز جماعتی در حضر مورد چنان خوفی بود «إِنْ تَقْصُرُوا» هم تحقق دارد.

و شما اطمینان را این‌جا با تحقیقات لغوی در اختصاص برگشتن از سفر دانسته‌اید، با آن‌که در این‌جا پس از «إِنْ خَفْتُمْ» آمده و به معنی زوال خوف، و آرامش است، چه در سفر و چه در حضر.

و شما که اصرار دارید طمأنینه به معنی سکون است. آیا طمأنینه پس از زوال خوف که شرط اصلی قصر است از طمأنینه خارج است؟! و اعتراف هم دارید که «الطمأنينة السكون بعد الانزعاج» در حالی که صرف سفر، انزعاجی ندارد، بلکه بر حسب تصريحات آیه‌ی قصر، این‌جا تنها انزعاج بر اثر «إِنْ خَفْتُمْ إِنْ يَفْتَنَكُمُ الّذِينَ كَفَرُوا» می‌باشد، چه در سفر باشد و چه در حضر، و مجمع البحرين که آن را به معنی آقتم گرفته، پیروی از سایر فقیهان کرده و نه آن که لغت را معنی کرده باشد، وانگهی اگر از سفر

۱- بدین معنی که ظرفیه است و نه شرطیه‌ی محضه.

نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران

برگشت و اقامه کرد ولی خوف همچنان باقی بود، آیا چیزی برای حفظ
جان از نماز کسر نمی‌شود؟^۱

اما قصد تواتر؛ اینجا اگر هم تواتری در میان باشد، بر خلاف نصّ و یا
ظاهر مستقر قرآن است. و ما هرگز تواتری ثابت‌تر و روشن‌تر از قرآن
نداریم که برای آن، حجت قاطعه‌ی قرآنیه صرف نظر کنیم.^۲

اما قضیه «کفانا کتاب الله»؛ او لا گفته عمر «هذا کتاب الله حسبنا» یا «حسبنا
کتاب الله» است، وانگهی «حسبنا کتاب الله» از «حسبنا الحديث و الشهادة و
الاجماع» حصبه‌اش بیشتر نیست! زیرا ما در صورتی روایت را می‌پذیریم که با
دلیل اول اسلامی که قرآن است موافق بوده و یا مخالف آن نباشد.

و حدیث ثقلین نیز مقصودش کتاب و سنت است، و اگر مانند صلاة
قصر، تعارض میان قرآن و حدیث بوده، پذیرفتن این که مطلبی بر خلاف
قرآن، سنت است؛ خود بر خلاف کتاب و سنت است، زیرا رسول و امامان
معصوم علیهم السلام هرگز بر خلاف کتاب سخنی ندارند.

و این که ضرورت بر خلاف قرآن نمی‌شود، خود ضرورت است، ولی این
بر خلاف قرآن بودن، روایت را از ضرورت بودن می‌اندازد، و این آیه هم

۱- و اگر در اینجا اطمینان تنها به معنای ترک حرکت سفری باشد، نخست عبارت صحیحش
«فإذا رجعتم من السفر» است که پس از سفر.. و نه «فإذا أطمنتم» که اطمینان و آرامش پس از
خوف است. آری، در مقصد هر سفری که مدتی به طول می‌انجامد، اطمینان به معنای سکون
هست، بلکه احياناً آرامشی بیشتر از وطن برقرار است، ولی «فإذا أمنتم» پس از «فإن خفتم» در
آیه‌ی بقره، قطعاً به معنای امن پس از خوف است و نه سکون و توقف از حرکت!

۲- و نیز روایات قصر صلاة بر سه قسم است: (۱) قصر در صورت مشقت،^۳ (۲) قصر در یک روز
راه،^۴ (۳) قصر کمی نمازهای چهار رکعتی در چهار فرسنگ ولی کلاً قصر - در غیر صورت تصريح به دو
رکعت - همان قصر کیفی در حال مشقت و یا خط است و آن‌جهه بر خلاف این دو قید باشد، بر خلاف
آیه‌ی قصر است و روایات «مشقت» و «مسیرة يوم» یک روز را با هشت فرسنگ مسافتی که در
گذشته خوف‌آور بوده بر مبنای مشقت ترسناک، توجیه می‌کند و حتی یک نص روایتی هم نداریم که قید
عدم خوف و مشقت را برای عمومیت قصر صلاة در سفر مطرح کرده باشد. می‌ماند قصر کمی - در
برخی از روایات - که این هم بر خلاف نصّ دو آیه‌ی قرآنی و مردود است و اگر هم - فرضًا - تمامی
روایات باب قصر نماز، نصّ در سفرهای بدون خوف بود، باز هم به جهت مخالفت با قرآن مقبول نبود.

متشابه نیست تا حدیث بتواند آن را معنی کند، اگر هم آیه‌ای متشابه باشد آیات محکم تفسیرش می‌کنند، و آیا «إن خفتم» متشابه است؟ که حالت عدم خوف هم، به مجرد سفر، ملحق به خوف گردد، که در نتیجه، در هر دو صورت خوف و عدم خوف، به هنگام سفر، نماز قصر باشد.^۱

و در خاتمه نیز خط قرمزی بر استمرار بحث کشیده‌اند که نامه‌ی دیگری از من برای شما قابل پذیرش نیست،^۲ این مطلب هرگز در محکمه‌ی عقل و ایمان قابل پذیرش نیست، و شما می‌دانید که حضرت صادق علیه السلام با ابن ابی‌العوجاء هرگز گفت و گویشان را ناتمام نگذاشتند، آیا من به جرم استناد به قرآن، از ابن ابی‌العوجاء [هم] مُلحدترم؟!^۳

و السّلام على عباد الله الصالحين

قم - محمد صادقی تهرانی، ۱۳۷۳/۵/۲۵ ه.ش

تلفن: ۳۲۹۳۴۴۲۵

۱- بر فرض محال اگر نص «فإن خفتم» در آیه‌ی بقره متشابه باشد! ادامه‌ی همین آیه، تشابه آن را برطرف می‌سازد، زیرا «فإِنْ أَمْتَمْ» در مقابل آن قرار گرفته که قطعاً به معنای امن بعد از خوف است. همچنین اگر «فإن خفتم» در آیه‌ی نساء تشابه داشته است، «فإِذَا اطْمأْنَتْم» در آیه‌ی ۱۰۳ تشابه آن را برطرف می‌کند، چنان‌که هیچ شکی در معنای آرامش پس از خوف باقی نمی‌ماند، بلکه معنی آن کاملاً واضح و روشن است.

۲- اصل نامه‌های آیة‌الله تجلیل تبریزی و رونوشت پاسخ‌های این جانب در بخش بایگانی علوم القرآن «محفوظ» است.

۳- نگارنده در تمامی آثار تفسیر، کلامی، فقهی، اصولی، عرفانی، تاریخی و... که بیش از یکصد و ده کتاب و جزوی در کل علوم اسلامی است، تنها بر مبنای محوریت قرآن و فرعیت سنت قطعیه؛ بحث و گفت‌وگو و استدلال داشته و دارم و هرگز حتی برای یک بار هم - چنانکه ملاحظه گردید - در بحث‌ها و مناظرات با علمای اسلام و مذاهب دیگر، محکوم نشدمام و شهرت‌ها و اجمعیات و حتی ضرورت‌های مذهبی را - در صورت مخالفت با کتاب و سنت - به هیچ وجهی نمی‌پذیرم و همواره برای پاسخگویی تلفنی و یا حضوری به کلیه‌ی پرسش‌های قرآنی و اسلامی آماده می‌باشم.

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی در سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد. پس از تحصیل دبیرستان به درس آیت‌الله شاه آبادی و امام خمینی راه یافت و همزمان با بهره‌گیری از دروس فلسفی استادان میرزا مهدی و میرزا احمد آشتیانی دروس مقدماتی حوزه را نیز گذراند و طی سه سال دروس حوزه را تمام کرد. سال ۱۳۲۰ به قم رفت. پس از ورود آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۳ و علامه طباطبایی در ۱۳۲۴ ایشان نیز در دروس آنان شرکت کرده و به آموختن از این استادان به نام پرداخت. پس از ده سال توقف در قم در آستانه شکل‌گیری نهضت ملی کردن نفت به تهران بازگشت. در این دوره به آیت‌الله کاشانی نزدیک شد و از این طریق دوشادوش دیگران در جریان نهضت ملی فعال شد و همزمان در دانشگاه به تحصیل پرداخت.

پس از چند سال چهار لیسانس حقوق، علوم تربیتی فلسفه و فقه و نیز دکترای عالی معارف اسلامی را دریافت کرد. سه سال نیز در دانشکده معقول و منقول به تدریس حکمت اسلامی پرداخت. جلساتی نیز با شرکت جوانان و دانشجویان داشت. در سال ۱۳۴۱ سخنرانی افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه کرد و تحت تعقیب واقع شد لذا مخفیانه ایران را به قصد حج ترک کرد.

در مکه و مدینه نیز سخنرانی‌هایی علیه شاه انجام داد که همانجا دستگیر شد اما پس از طرح میاحتی با مقامات و فشار علماء در مسجدالحرام آزاد شد و تحت الحفظ به عراق رفت. ده سال نیز در عراق ماند. در آنجا نیز فعالیت‌های مبارزاتی خود را ادامه داده و در زمان اخراج ایرانیان از عراق به بیروت هجرت کرد. با شروع جنگ داخلی لبنان از بیروت به مکه رفت تا آستانه انقلاب در آنجا به فعالیت‌های خود ادامه داد و سپس به ایران بازگشت. ایشان با اقامت در حوزه علمیه قم همواره به تدریس قرآن و تألیف در این زمینه همت گماشتند و در فروردین ۱۳۹۰ با بیش از ۱۱۰ اثر تألیفی چاپ شده و چاپ نشده دار فانی را وداع گفت.



آیت‌الله محمد صادقی تهرانی، در سال ۱۳۰۵ در محله گلوبندگ (چال حصار)^۱ نزدیک بازار تهران، متولد و در خانواده‌ای روحانی پرورش یافت. پدر ایشان حاج شیخ رضا لسان‌المحققین (لسان‌الواعظین) از بزرگان خطبای ایران و از سرسریله علمداران معارض سلطنت پهلوی اولین معلم علم و عمل و راهنمای آیت‌الله صادقی، ایشان را در ۵ سالگی به مدرسه اسلام واقع در گذر مستوفی فرستاد و از همان اوان کودکی ایشان را با معارف اسلام آشنا نمود. همزمان با پایان دوره دبستان و اخذ تصدیق ۶ ابتداً در اثر شکنجه‌ها و لطمات مبارزات، پدر بدرود حیات گفت. آیت‌الله صادقی که از سویدایی دل نفرت عمیقی نسبت به پهلوی داشتند این حادثه به انزجار ایشان نسبت به آن رژیم ظالم افزود و از همان زمان مصمم به مبارزه در راه پدر گردیدند.

دوره متوسطه به دیبرستان پهلوی (سمیه فعلی) واقع در خیابان ری رفته و پس از اتمام دوره دیبرستان فکر حضور در حوزه و تحصیلات اسلامی در ایشان قوت پیدا کرد. بدین ترتیب در سن ۱۴ سالگی در جنب دروس اسلامی، در مدرسه سپهسالار (قدیم) مشغول یادگیری مقدمات عرض و ادبیات شدند که یک سال بعد جامع المقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبدالله بر تهذیب المنطق نقازانی و... را تدریس هم کردند.

سپس به حلقات دروس عرفانی، اخلاقی و نفسیری آیت‌الله شاه آبادی بزرگوار، استاد امام خمینی در مسجد جمعه (جامع) تهران واقع در قلب بازار پیوستند و پس از مدتی به منزل ایشان واقع در کوچه مجاور مسجد و دیگر محافل درسشنان رفته‌اند. محور درسی آیت‌الله شاه آبادی، قرآن از دیدگاه عرفان و فلسفه و در همه صحبت‌های خود چه عرفانی و چه فلسفی و چه اخلاق آیه متناسب موضوع را مطرح می‌کردند. درس‌ها و روش و منش استاد اعظمه، شاه آبادی بر مبنای قرآن تأثیر بسیاری در ذهن و روح آیت‌الله صادقی گذاشت و از آن پس قرآن را در زندگی و کار و تحصیل کتاب مرجع و منبع قرار دادند.

پس از چندی با مشورت استاد شاه آبادی تحصیل در مدرسه خان مروی (فخریه) واقع در خیابان ناصریه و بازار مروی را آغاز نمودند. در مدرسه مروی در ادبیات عرب تحصیل نموده و به محضر آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین زاهد؛ استاد عظیم‌الشان اخلاق، و درس فقه آیت‌الله حاج شیخ میرزا باقر آشیانی، و دروس منطق و کلام آیت‌الله حاج سید صدرالدین جزايری، و نیز درس فلسفه و دوره شرح تحرید آیت‌الله حاج میرزا مهدی آشیانی از فلاسفه بزرگ و درجه اول شرق و همچنین درس آقا میرزا احمد آشیانی (عموی ایشان) عارف و فیلسوف و فقیه بزرگ و... حاضر می‌شدند.

مدتی هم در درس فلسفه آقای رفیعی شرکت داشتند. بدین ترتیب فلسفه را نزد بزرگان علمای فلسفه خواندند اما همواره با نگرانی از اینکه مبادا مسیر آموختن قرآن را از دست دهند و مانند خیلی از دوستان، فیلسوف شوند، با مراقبت از خود، همه این علوم را حاشیه‌ای بر

۱. مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، حجت‌الاسلام شهید محمدعلی منتظری، پاییز ۱۳۸۵

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله‌عظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

تعلیمات معارف قرآنی قرار دادند، چرا که اعتقاد داشتند فلسفه، مغزهای بدون محور قرآنی را به طرف خود جذب می‌کند و هم به دلیل عقلی و هم به دلیل کتاب و سنت، چهار پنج مبنای اصلی آن را رد کردند.

نشان صوری روحانیت و عمامه‌گذاری ایشان توسط آقای شاه آبادی صورت گرفت البته در مدرسه سپهسالار، آقای شیخ علی دیری، استاد مقدمات، ایشان را به همراه ده، پانزده نفر از طلاب مدرسه ملبس به لباس روحانیت نمود.

همزمان با جنگ جهانی و فرار رضا شاه و به تخت نشستن پهلوی دوم، محمد رضا، آیت‌الله صادقی در سال ۱۳۲۰ عازم قم شدند و در قسمت شمالی فیضیه همراه با آقای لاجوردی قمی و دیگر دوستان حجره داشتند ولیکن در موقع تعطیلی حتی یک روز در هفته به تهران رفته و در درس استاد شاه آبادی شرکت می‌کردند. به مرور زمان ایام تحصیلی بیش از ایام تعطیلی گردید. خلاً دوری از منبع بزرگ فیاض ناچارشان ساخت تا در قم شخصی از آن نمونه و سنت را پیدا کنند، در نتیجه به کلاس درس امام خمینی رفته که علیرغم سن کم مطالب را به خوبی درک کرده و امام خمینی لقب شاه آبادی کوچک به ایشان دادند.

در سال ۱۳۳۳ با ورود آیت‌الله بروجردی به قم در دروس ایشان نیز شرکتی فعال داشتند به طوری که در جلسات پاسخ استفکنات آیت‌الله بروجردی در مسائل فقهیه خود اتخاذ رأی می‌کردند. ایشان که خود را از کودکی به واسطه تعالیم استاد آیت‌الله شاه آبادی به قرآن مایل دیدند و متأسفانه حوزه علمیه قم را از درس‌های قرآنی و معارف مادی و معنوی آن خالی و کم عمق یافتدند، از دیدن حوادث حاشیه‌ای تاخ، لطمہ روحی سنگینی به ایشان وارد گردید. از این رو تصمیم گرفتند همه علوم رایج در حوزه را بر اساس مبانی قرآنی برای خود دسته‌بندی و مبتنی بر بیان قرآن در مبار و سخنرانی‌های عمومی و خصوصی و تألیفاتشان ارائه نمایند. همین امر باعث شد که در بسیاری از مسائل نظری متفاوت با نظر دیگر فقهاء داشته باشند چرا که آنها بر مبنای درس استاد و روایات پیش می‌رفتند اما آیت‌الله صادقی همه آنها را عرض بر کتاب‌الله قرار می‌دادند.

ایشان با وجود تجلیل بسیار از آیت‌الله بروجردی و استایل فلسفه و عرفان و سایر اساتید فقه و اصول خود، هیچ‌گاه همه فرمایشات آقایان را قبول نکرده و به خط مشی تمام آنها معرض بوده و می‌گفتند در بعد اینکه محور علوم اسلامی آنها آنطور که شاید و باید قرآن نبوده، مبتلا به آراء و فتاوی خلاف نص و یا خلاف ظاهر قرآن هستند.

ایشان اعتقاد داشتند که طلاب حوزه‌های علمیه چه مبتدی باشند و چه متوسط و یا متنه‌ی، باید محور اصلی تحصیلاتشان قرآن و در حاشیه آن سنت قطعیه باشد و علوم رایج حوزوی نه تنها طبله را به اسلام نزدیک تر نمی‌کند بلکه بسی او را از معارف قرآنی در ابعادی چند دور هم می‌کند و اگر بخواهیم کلمه لا اله الا الله در حوزه‌های علمیه نقش پیدا کند، نخست بایستی دروس و کتاب‌هایی که محور قرآنی ندارند، یا بدتر که محور خود قرآنی دارند، از حوزه‌های درسی زدوده شوند. سپس به جای آنها معارف ناب قرآنی را که

همچون آفتاب واضح و روشن و متجلی است، جایگزین نمایند و با تعلیم و تعلم قرآن عظیم دل‌های خود و دل‌های طلاق معارف قرآنی از این ظلمت‌ها و تاریکی‌های موجود نجات داده و با نور قرآن کریم آنها را جلا داده و متجلی سازنده، تا به وسیله این نور، آنان مشعلداران اسلام بر پایه قرآن کریم گردند و راه چنان جریانی نخست این است که مطالبی از این کتاب‌ها را که برخلاف قرآن کریم است و یا موفق آن نیست حذف کنند و سپس تألیفاتی نوین بر محور قرآن و ستّت جایگزین آنها کنند و این خود مسئولیتی بسیار مهم و حساس بر عهده مدرسان و شرع مداران است که حوزه‌ای صد درصد قرآنی بنا کنند.^۱

ایشان می‌گفتند: همه تناقضاتی که – در تفسیر تسلسلی یا موضوعی و چه در برگردان ترجمان قرآن – پدید آمده پیامد ناشایستگی در شرایط تفسیر و ترجمه درست قرآن است که با ابزارهای برونوی غیر مطلق انجام شده و از وسائل مطلق ربانی قرآن غفلت شده است. این ابزارها و علوم و عقول بیرونی که دائم در حال تغیر و تحول و منجر شدن به تضاد و اختلاف‌اند، نتیجه‌ای جز دگرگونی و پراکندگی افکار در این کتاب وحدت گراندارند، استفاده از این عوامل اجنبی از قرآن، این کتاب روش و متین الهی را مجمع تناقضات و تضادها وانمود کرده است.

در سال‌های حضور ایشان در قم آیت‌الله علامه طباطبائی نیز نقشی عظیم در استمرار درجات تفسیری، عرفانی، فلسفی، اخلاقی ایشان داشت.

پس از ۱۰ سال توقف مستمر در قم به تهران آمدند و در دو بعد علمی و سیاسی به فعالیت شدید پرداختند. در قیام ملی شدن نفت همکاری و همراهی بسیاری با آیت‌الله کاشانی داشتند و در جهت انعکاس دیدگاه‌های ایشان از هیچ کاری مضایقه نداشتند. سخنرانی‌های انقلابی ایراد کردند که این جلسات علاوه بر سعی در ملی شدن صنعت نفت نقش مذهبی نیز داشت و با این هدف سعی در آتش‌زدن استعمار داخلی و خارجی داشتند. در آن دوران علاوه بر جلسات سخنرانی هم تدریس و هم در دانشگاه کار می‌کردند که به توصیه آقای کاشانی امتحان مدرسي دادند که همراه با آقایان مطهری و شیخ مهدی حائری قبول شدند. بعد در داشکشده معقول و متنقول (الهیات و معارف اسلامی) واقع در پل چوبی و در مدرسه سپهسالار تهران شرکت کردند.

سال سوم تحصیل، هنگامی که مشغول اتمام دوره لیسانس بودند، قانونی وضع گردید تا با برگزاری ۴ امتحان ۴ مدرک لیسانس از جمله علوم قضایی، علوم تربیتی، تبلیغ و فقه بدنهند که هر چهار امتحان را داده و چهار لیسانس گرفتند.

ایشان سعی کردند تا در کلاس‌های دکترا نیز شرکت کنند تا زمانی به درد اسلام بخورد، دوره دکترا را گذرانند و به امر آیت‌الله بروجردی سه سال هم در دانشگاه تدریس کردند. تز

۱. صادقی تهرانی، محمد، رساله توضیح المسائل نوین، انتشارات امید فردا ۸۴
۲. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، تفسیر مختصر قرآن کریم، انتشارات شکرانه، چاپ اول تابستان ۸۸

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله‌عظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

دکترای ایشان در مورد ستارگان از دیدگاه قرآن بود. استاید حاضر در جلسه دفاعیه آقایان راشد، مشکات و عامری (وزیر دادگستری) همه گفتند که ما از این موضوع سر در نمی‌آوریم، خودتان توضیح دهید که پس از توضیح ایشان، درجه فوق ممتاز را دادند. بعدها که تز دکترای ایشان به صورت کتاب به چاپ رسید، آیت‌الله علامه طباطبائی بعد از مطالعه کتاب گفتند: این کتاب نه دانشگاهی و نه حوزه‌ایست بلکه فقط قرآنی است.

در فروردین ۳۶ شمسی چاپ اول کتاب بشارات عهدین در مقابله با بهائیت منتشر شد و از لحظه اینکه در آغاز نشر بشارات حدود ۷۰ نسخه برای کلیساها و سفارتخانه‌های مهم مسیحی و... فرستاده شد، راه مناظرات و گفتگوهای بسیاری برای آیت‌الله صادقی گشوده شد.^۱ ایشان همچنین در مقابله با اندیشه‌های ماتریالیستی یا جهان‌بینی مادی عده‌ای از دانشجویان، جلسات بحث و پرسش و پاسخ ترتیب دادند که پس از برگزاری جلسات صحبت‌هایشان در حدود سیصد نسخه پایی کپی شد و در محیط دانشگاه، ادارات و غیره منتشر گردید و به جهت مراجعات و تأکیدات زیاد خوانندگان در مورد چاپ آن، به چاپ و انتشار آن مبادرت گردید.

ایشان پس از دریافت دکترا به تدریس حکمت (فلسفه اسلامی) بر بنای قرآن و سنت مطابق با متن کتاب آفریده و آفریدگار پرداختند، همچنین در هفت نقطهٔ تهران جلساتی بر دو محور علمی و سیاسی علیه حکومت شاهنشاهی با حضور دانشجویان از جمله آقایان مصحح، عبودیت، غرضی و میثمی (نایین)، مصحف، عابدی داشتند. جلسات بر محور نجوم قرآنی و سؤال و جواب بود ولی عمق قضیه برای به هم زدن تشکیلات رژیم بود و با نظر به کنترل اسلامی بر کل مطبوعات کشور، هفت جلسه را ادغام و هر کدام از برادران وظیفه داشتند که یک قسمت از مطبوعات را مطالعه کرده و گزارش دهند که البته عوامل شاه بسیار مزاحمت ایجاد کردند.

در مساجد از جمله مسجد سرپولک با پیش نمایی حاج آقا محمد تقی اراکی بعد از نماز مغرب و عشا^۲ علیه شاه تدریس داشتند که دکتر چمران و برادرش نیز حضور داشتند. درس حساسی بود که جزو‌هایی نیز به شرکت‌کنندگان داده می‌شد.

همچنین هفته‌ای یک شب در مسجد امین‌السلطان، اول خیابان فردوسی در میدان فصلی (میدان توپخانه یا امام خمینی فعلی) جلسه داشتند.

آیت‌الله صادقی در همه حال به دنبال اصلاح نظام اداری، اقتصادی، فکری کشور مبتنی بر احکام قرآن بوده و سعی داشتند با رفتار صحیح اسلامی این رویکرد و دیدگاه را به عموم جامعه برسانند، چرا که به عقیده ایشان هر روحانی علیم و آگاه سیاسی باید به دنبال طرح

۱. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، دارالکتب الاسلامیه، مرتضی آخوندی طهران بازار سلطانی ۱۳۶۴

۲. برگرفته از کتاب آفریدگار و آفریده، نوشته، صادقی تهرانی، محمد، انتشارات امید فردا ۱۳۷۹

۳. مرکز استاد انقلاب اسلامی، ج ۱، از غبار تا باران، خاطرات دکتر عبدالله جاسبی، تهران ۱۳۸۲

اندیشه‌های قرآنی در جامعه باشد. ایشان می‌خواستند احکام الهی را از قول به فعل تبدیل کنند و به دنبال مرجعیت و کارهای تشریفانه نبودند. همین منبر رفتن‌ها با نوآوری‌های علمی و سیاسی، باعث شد تا مورد تعقیب و تهدید و تحدید دستگاه ستمشاھی قرار گیرند.

پس از فوت آیت‌الله کاشانی، با پخش اعلامیه و ایراد سخنرانی در اولین سالگرد آیت‌الله بروجردی در اعتراض به صحبت‌های شاه در ۴ بهمن ۱۳۴۱ هنگام اعطای اسناد مالکیت کشاورزان قم، و... از سوی ساواک محکوم به اعدام شدند که ناچار ایران را مخفیانه به قصد حج ترک نمودند.

در عربستان نیز با پخش اعلامیه در مکه و مدینه بین عمره و حج دستگیر شدند و ۱۳ روز در زندان شرطة العاصمه به سر برداشتند که با وساطت علماء به خصوص آیت‌الله حکیم آزاد شدند و تحت الحفظ به عراق رفتند. در عراق نیز در جریان فعالیتها، با مقدمات سفارت ایران در بغداد و کنسولگری ایران در کربلا، چند مرتبه هجوم و توطئه کردند که ایشان را دستگیر کنند، اما خداوند، با حفاظت ایشان به وسیله ظاهريش آیت‌الله خوبی مانع از دستگیری ایشان شدند و ایشان حدود یک ماه در زیر زمین منزل آیت‌الله خوبی مخفی بودند که از این فرصت استفاده نموده و تفسیر یک جزء قرآن را با تفسیر قرآن به قرآن نوشتند.

پس از دو سه ماه جهت پایه ریزی‌های انقلاب در اروپا و شرق و قاهره به انتریش رفته و حدود دو ماه شب و روز با دانشجویان ایرانی و عرب جلسه داشتند. سخنرانی‌های ایشان در نجف دارای دو جهت (لون)، یکی لون سیاسی ضد شاهنشاهی و دیگری لون قرآنی داشت، به امید اینکه در اثر این سخنرانی‌ها عمق قرآنی به حوزه نجف داده شود که الحمد لله در اثر این سخنرانی‌ها، با وجود دو بعد سیاست ضد شاهنشاهی و بعد اجری - قرآنی جذب این عده توائیستند گروهی را در دو بعد سیاست ضد شاهنشاهی و بعد علمی - قرآنی برخلاف امواج حوزه‌های علمیه نجف و قم تشکیل دهند. اگر یک ساعت صحبت می‌کردند شاید به ۵۰ آیه قرآن استدلال و بحث طلبگی عمیق می‌کردند. به همین جهت از ایشان خواستند تا تدریس را در نجف آغاز کنند. گفتن: ابتدا از چه شروع می‌کنید؟ آیت‌الله صادقی جواب دادند: فقط قرآن. کتابی که جایش در این حوزه خالی است.

سر درس تفسیر در خلال آیات قرآن به مناسبت آیات، مباحث سیاسی ضد شاهنشاهی و ضد کل سلطه‌های ظلم را نیز مطرح می‌کردند. بعد از مدتی جلسات تفسیر را به زبان فارسی در مسجد شیخ انصاری برگزار نمودند. و بعد از مدتی جلسه خطابه و قلم را پنج‌شنبه شب‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء به مدت دو الی سه ساعت در منزلشان اجرا نمودند. بر خلاف نظر فقهاء که ۵۰۰ آیه مربوط به آیت الاحکام است، به عقیده ایشان بیش از ۲۰۰ آیه، آیت الاحکام است. چون بعضی از آیات در مطالعه قرآن به نظر فقهاء نرسیده است. ایشان بارها در حوزه استفتاء آیات عظام خوبی، خمینی و... در بحث‌ها آیه خواندن که از ایشان پرسیدند: پس روایت آن چیست؟ گفتن: معلوم می‌شود که آیه آن قدر گنگ و بی

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

دلالت است که نیاز به روایت دارد یعنی خدا اینقدر گنگ حرف زده که بنده اش نفهمد! پس چرا قرآن را فرستاد و در آن فرمود: للناس. پس یا ما ننسان هستیم و یا خدا - معاذ الله - دروغ گفته، باید ناس شویم تا قرآن را بفهمیم چون ننسان‌ها نمی‌خواهند بفهمند.

سال سوم حضورشان در نجف، از مسابقه تألیف کتاب در رابطه با امیرالمؤمنین با خبر شدند که به تحریر کتاب علیٰ والحاکمون همت گماشتند تا اینکه با تیراز بالای در بیروت چاپ و منتشر گردید که به گفته خود ایشان ۲۰ روز مطالعش را آماده و ۳۰ روز هم کتاب را نوشتد، یعنی روزی ۱۰ صفحه.

آقای سید جواد شیر، مدیر تشکیلات مسابقه، لوح تقدیری دال بر رتبه اول شناخته شدن کتاب نزدشان آوردند اما در کربلا جلسه‌ای تشکیل شد که با سیاست عراق و مرجیعت‌ها، فقط از کتاب ایشان اسم برداشت و کتاب سلیمان کتابی را به عنوان رتبه اول معرفی کردند. این کتاب در ۱۰۰ هزار نسخه منتشر شد که تعداد صفحات آن در چاپ اول حدود ۳۰۰ صفحه بود و در چاپ دوم با اضافه نمودن محاکمه خلف، به ۳۶۰ صفحه رسید که به الخافا بین الكتاب والسنۃ معروف گردید.

پس از گذشت حدود ۲ سال از ورود آقای خمینی به نجف، جریان حمله اسرائیل و گنج ۶ روزه پیش آمد که آیت‌الله صادقی در مقابل اسرائیل و در رابطه با دولت‌های عربی سوریه، اردن و مصر و عراق سخنرانی‌هایی جهانی ایجاد کردند.

به مرور زمان درس ایشان را در عراق که بر خلاف موج حوزه بود و به عنوان یک درس حوزوی نمی‌پذیرفتند، نسبت به دیگر درس‌ها با جمعیت بیشتری رو به رو شد و بعد از مدتی حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر از طلاب بالاد مختلف فارسی و عربی زبان با فکر آزاد و بر مبنای آیات مقدس قرآن، تفسیر درست و موازین صحیح را پخش نمودند.

فقط جاذبه قرآن و با رنگ بی‌رنگی با قرآن کار کردن و تحمیل نکردن رنگ‌های حوزه‌ای بر قرآن، این جمعیت را جذب نمود.

ایشان اعتقاد داشتند که از مظلومیت قرآن همین بس که هر فرد آشنا با قرآن، به بیسواندی متمهم است. وقتی من به دلیل قرآن و بر خلاف شهرت و خلاف اجماع رأی می‌دهم پذیرش آن برای حوزویان سخت است مثلاً رد کردن حرف‌های حاجی سبزواری بسیار برای آنها اشکال داشت چرا که مرحوم‌ها خدا می‌شوند، مانند عقاید یونانی‌های قدیم که هر کس بمیرد روش جزو ارواح خدایان می‌شود. به زنده بودن گناه است، من بارها به برادران عرض کردم که علت اینکه حوزه‌های ما به قرآن توجه ندارند این است که صاحب‌ش مرحوم نیست، چون خدا زنده است و دیدنی هم نیست. بنابراین به کتاب او کاری نداریم. قرآن با وجود شمولیت عام، فقه و تفسیر و آیات‌الاحدکامش در کل حوزه‌ها مظلوم است و ابعاد گوناگون علمی مورد بحث در حوزه‌ها محور قرآنی ندارد، به خصوص فقه قرآن که آنگونه که شاید و باید، بیان و به کار برد نشده. فقه قرآنی، فقه گویا است که همواره مستند به وحی شریعت خاتم است و فقط پویایی موضوعات را می‌پذیرد و نه پویایی احکام را و به این جهت هیچ‌گاه بنبستی ندارد و بدون ذره‌ای تغییر در احکام ثابت شریعت، همیشه

پاسخگوی تمامی پرسش‌ها است. بعضی از فضلا به من گفتند: شما از قرآن چه طور این همه مسائل سیاسی آوردید؟ گفتم: من خیلی کم در آوردم، قرآن تماسح سیاست و رهبری علمی و عقیدتی است. به اصطلاح شما رهبری سیاسی، منتهی سیاسی صحیح است. قرآن در تمام ابعاد علمی دارای حرکت و موج است و امواج ضد را می‌شکند اما دروس آرام بحث‌های فقهی یا فلسفی یا...، علاوه بر عدم حرکت دهنده‌گی، احیاناً جمود دهنده است و انسان را در مقابل شخصیت‌هایی ساخته شده به خصوص شخصیت‌های علمی فوت شده، همین طور جامد نگه می‌دارد. مرحوم فلان فرمودند، بنابراین من نباید بفهمم، من نباید چیزی بگویم. نباید فکر کنم. پس من زنده اولًا به جرم زنده بودن، ثانیاً به جرم یک نفر بودن، ثالثاً به جرم‌های دیگر حق ندارم که حرف‌هایی غیر از حرف‌های آن مرحوم‌ها بگویم. در نتیجه شکستن سدهای آزادی اجتهاد و فکرها، کار بسیار مشکلی است. پس اصل تفسیر قرآن - این کتاب اجنبی و غریب در حوزه‌ها - را آنگونه که خداوند ارائه فرموده، بیان کردن جرم است".

کار شکنی‌ها و حсадت‌ها در برابر هدف والا ایشان، بسیار ناچیز و همه آنها را با دل و جان پذیرا بودند، چون تمام فعالیت‌های ایشان در راه خدا و برای رسیدن به حق صورت گرفت. ایشان برای استمرار قیام در دو بعد سیاسی و قرآنی تصمیم به بر پایی نماز جمعه در نجف گرفتند، البته انجام آن بسیار سخت و از فعالیت‌های مهم بود.

با آغاز اخراج ایرانیان از نجف اشرف و کل شهرهای عراق، آیت‌الله صادقی به بیروت هجرت کردند و جریان دو نهضت قرآنی و سیاسی به مدت پنج سال در بیروت نیز ادامه داشت و در جلسات سخنرانی با سعی برایان مطالب قرآنی، بحث‌های سازنده افکار صحیح اسلامی و سوزنده افکار غلط موجود در لبنان را مطرح می‌نمودند و در آخر بحث به سؤالات حاضرین پاسخ می‌دادند. در سخنرانی‌ها در دو بعد سلبی و ایجادی به موازات هم صحبت داشتند. در بعد سلبی از نظر علمی مباحث درسی طلاق و کارایی آنها پس از تحصیل، و از نظر سیاسی جنگ با چند جبهه ایران، عراق، اسرائیل و لبنان داشتند که بحث‌ها و صحبت‌ها رقم خورد.

ایشان با شرکت در نماز جماعت، تشکیل شورای عالی شیعه، تشکیل نماز جمعه و نیز تأثیفاتی نوین زمینه‌ای مناسب برای گفتگو با علمای ادیان دیگر را برای اثبات حقانیت اسلام قرآنی ایجاد نمودند.

با شدت گرفتن جنگ داخلی لبنان، آیت‌الله صادقی آنجا را به قصد حجاز ترک نمودند. در آنجا با سخنرانی در مسجدالحرام، کلاس درس مکه برپا شد که ایشان بعد از رسول الله و آئمه معصومین، صلوات‌الله‌علیهم‌اجمیعین اولین شیعه بودند که به طور رسمی در مسجدالحرام درس می‌دادند. در آن زمان شیخ عبدالله بن حمید با توجه به آشنایی با ایشان دستور داد مدرسان مسجدالحرام یک کلمه علیه شیعه و آئمه شیعه حرف نزنند این مسئله بسیار اهمیت داشت که در مسجدالحرام و در خطبه جمعه نه تنها صحبتی علیه شیعه نمی‌شد، بلکه راجع به وحدت اسلامی حرف‌هایی زده می‌شد.

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

در مکه نیز غافل از فعالیت‌های انقلابی نبودند و در زمان کشتار مردم قم و تبریز، روزهای جمعه به بهانه دعای ندبه سخنرانی هایی در این زمینه داشتند. در همین دعای ندبه بود که سخنرانی معروف و مشهور خود، توله رضاخان را داشتند که به جای یک دقیقه سکوت، یک دقیقه گریه کرده و بعد به طور مفصل صحبت کردند.

گاهی اوقات بعضی تجار به آنجا آمده، تعداد زیادی از نوار سخنرانی‌های ایشان را تکثیر و به روش غیر قابل باوری به ایران و کل بلاد مسلمانان می‌برند.

ایشان در سال ۱۹۷۰ برای دومین بار و به فاصله ۱۷ سال دستگیر شدند و پس از آزادی به بیروت رفته که پس از تثییت موقعیت در لبنان، به فرانسه رفته تا امام خمینی را در نوفل لوشاتو ملاقات کنند. همچنین سفری به ایتالیا داشتند و در دانشگاه‌های ایتالیا سخنرانی کردند که در نتیجه موج عظیم بیداری و اگاهی در رابطه با لزومن تأسیس حکومت اسلامی ایجاد شد. پس از ورود امام به ایران ایشان نیز به وطن بازگشته که علاوه بر سخنرانی‌هایی در سراسر ایران، قبل از اعلام رسمی نماز جمعه جمهوری اسلامی در مشهد و جمکران، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران نماز جمعه تشکیل دادند. ایشان به جهت مشورت‌هایی با امام خمینی و برای رسیده دار کردن نهضت و انقلاب قرآنی، در کارهای اجرایی شرکت نکرده و در قم اقامت نمودند و بر محور معارف قرآن دروس، تأیفات و خطابات خود را ادامه دادند.

در جنگ ایران با عراق نیز سخنرانی مفصلی به دو زبان فارسی و عربی در آبادان داشتند که سه مرتبه از رادیو و تلویزیون آبادان پخش شد که در انتقاد به عربستان سعودی، کویت و عراق در رابطه با نپذیرفتن امام خمینی نیز صحبت‌هایی داشتند.

حدود سال ۱۹۷۶ با وقوع ماجراهی سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی و فرمان اعدام او که امام خمینی به حکم شرعی صادر نمودند. کتابی با نام آیات رحمانی در پاسخ به گفته‌های او نوشته شده تا در حقیقت اعدام افتراقیت او باشد.^۱ در سال ۱۳۶۷ پس از ۱۰ سال اقامت در قم، تألیف ۲۵ جلد از تفسیر سی‌جلدی الفرقان را، ضمن دو تدریس عربی و فارسی به اتمام رسانندند. در این سی جلد سعی کرده که اگر نکته‌ای مغفول و یا خطای مشهود نسبت به آیه‌ای از آیات قرآن در میان تفاسیر شیعه و سنت باشد، متذکر شوند.

پس از تأییف تفسیر الفرقان سعی کرده که در رشته‌های تفسیری، فلسفی، فقهی و... آثاری تحقیقی قرآنی به چاپ رساند که در همه این رشته‌ها با نظرات علمای مشهور شیعه و سنت اختلاف داشتند.

در فقه، بیش از ۵۰۰ فتوی بر مبنای قرآن و سنت و مخالف با نظرات مشهور را در تبصرة الفقهاء آوردند و مبنای این اختلاف وسیع در کل علوم اسلامی را، آزاد اندیشی و تدبیر بدون پیش‌فرض در قرآن میین دانستند و خاطر نشان گردیدند که اگر علمای اسلام قرآن را

۱. صادقی تهرانی، محمد، آیات رحمانی در پاسخ به کتاب آیات شیطانی، انتشارات فرهنگ اسلامی.

درست بررسی کنند در صد اختلافشان با هم بسیار کم می‌گردد، گرچه این گونه فتاوای آنان برخلاف اجماع و روایاتی هم باشد.

در فلسفه نیز، ارکان فلسفه مرسوم حوزوی را مانند قدمت زمانی جهان و حدوث ذاتی آن، ساختی خدا و آفریدگان بر مبنای ضرورت ساختی علت و معلول، قاعده الوحد لا یصدر منه الا الوحد و... را برخلاف برداشت‌های درست عقلی و قرآنی می‌دانستند. در منطق بشري اضافه بر اعتراضاتي چند، تعداد ۶۶ تضاد، طبق حساب ابجدي الله، را در ميان نظرات منطقيان اعلام نموده و در حاشيه تفسير الفرقان جلد دهم، در سوره اعراف پادداشت کردن. در علم اصول نیز، بحث و تحقیق در مباحث الفاظ را نادرست می‌دانستند، چنانکه هیچ‌یک از علمای علوم تجربی نیز در بدیهیات لفظی بحث نمی‌کنند و می‌فرمودند اصول عملیه هم از نصوص كتاب و سنت پیداست.

در نتيجه كتاب اصول الاستنباط را در زمينه مباحثي ضد اصول حوزوی نوشتن. از آنجا که اختلاف ايشان با اکثر علماء در سائل فقهی از سایر علوم بیشتر است، علاوه بر تفسیر الفرقان که در این مورد به تفصیل سخن رفته، كتاب‌های تبصرة الوسیله، على شاطئ الجماعة، به زبان عربی و رساله توضیح المسائل نوین، فقه گویا، اسرار مناسک و ادله حج، مفت خواران و... را نوشتن که در آنها مباحث مهم فقهی قرآنی را مطرح کردد.^۱ از ديگر كتاب‌های ايشان می‌توان به نقدي بر دين پژوهی فلسفه معاصر (نقدي قرآنی بر كتاب‌های هرمونتیك آقای دکتر محمد شبستری و قبض و بسط شریعت از آقای دکتر سروش)، انقلاب اسلامی ۱۹۷۰، عراق، حکومت قرآن، مسافران، برخورد دو جهان‌بینی، ماتریالیسم و متفاہیزم، نماز جمعه و... اشاره نمود.

ايشان در مرحله آخر تحقیقات قرآنی خویش، با احسان مسئولیتی عظیم ترجمه و تفسیر قرآن را به فارسی گرد آورده، که برای فارسی زبانان حجت و بیانی روشنگر و برای سایر ترجمه‌های تفسیری پس از متن عربی قرآن اصل و بنیادی شایسته باشد و برسی‌ها و دقت‌های عمیقی که در آن به کار برده شده به زبان‌های ديگر بازگردانده شود. ايشان در همه حال ابراز داشتند که با کمال تأسف با بررسی کامل و مکرر بهترین ترجمه‌های تفسیری فارسی قرآن و تفسیرهای مفصل، حتی از مراجعی تفسیردان – تا چه رسد به ديگران – اشتباه‌های كثیری در هر کدام از آنها دیده شده است. چه در معانی لغوی یا جملاتش و چه در فصاحت و بلاغت بی نظیرش و چه در انتخاب الفاظ نفز و پر مغزش و حتی در بازگرداندن ادبی آياتش، زیرا قرآن چنانکه در لغت عربی زیباترین و زیینده‌ترین بیان و معنی را در بر دارد، برگردانش نیز باستی همچنان بهترین و معجزه آساترین برگردان باشد و بايستی با دقت و شرایط شایسته‌تری مورد توجه قرار گیرد. ترجمه تفسیری و برگردان درست قرآن بسی سختتر و دقیق‌تر از تأییفات ديگر و حتی از تفسیر تفصیلی قرآن است و بايستی با شرایط ویژه‌ای صورت گیرد. به این گونه که با آشنایی کامل و سیر عمیق

مختصری از زندگی نامه آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

در تفسیر تسلسلی و موضوعی قرآن، که تفسیر قرآن به گونه‌ای شایسته باید با کمال باریکبینی و حقیقت‌نگری و با زدودن پیش‌فرضها و انتظارات تحمیلی، تنها بر مبنای قرآن و با استفاده از ابزارها و یافته‌های درونی آیات آن بدون در نظر گرفتن عوامل پیرونی و آراء و اقوال و نظرات تحمیلی این و آن انجام گیرد، که در نهایت نتیجه چنین تفسیری رسیدن دقیق به مرادات الهی به گونه واحد شایسته و مستقیم است و رسانی‌های عمیق نهایی نیز با شورای علماء و اندیشمندان قرآنی قابل دسترسی است که «امرهم شوری بینهم» شور شایسته در این امر بایسته را لازم دانسته است.

بنابراین آگاهی دقیق به لغت قرآن بر اساس تفسیر درونی و لغتی که به آن برگردان می‌شود لازم است، و نه توجه به دیگر لغات که احیاناً نارسا و خدیدکننده یا برخلاف حقیقتند. روی این مبانی تنها داشتن لغت قرآن و باز گرداندن برای ارائه معانی مختصر آن کافی نیست چنانکه نوشتن رساله‌های عملیه، مرحله پایانی و نتیجه آخرین اجتهد شایسته است از این والاتر و مهمتر باز گردان مختصر قرآن به زبانی دیگر است که اینگونه ترجمه از نظر معارف قرآنی جهان‌شمول است.

بر این پایه عالمان و شرعمداران اسلامی هم - بدون این شرایط - شایستگی ترجمه تفسیری قرآن را ندارند و حتی مفسران هم به سختی می‌توانند آن را به زبانی دیگر برگردانند تا چه رسد به دیگران که به صرف داشتن زبان عربی و زبانی دیگر برای ترجمان قرآن همت می‌گمارند زیرا این همه حقایق و حیانی را در قالب مختصر آوردن بسی دشوار و پر اهمیت است.

در تفسیر مختصر ترجمان فرقان که ترجمه‌ای فشرده از تفسیر الفرقان است علاوه بر بررسی‌های بسیار دقیق در برگردان قرآن حتی سیمای وزن و صدای قرآنی هم به اندازه ممکن رعایت شده است. اعجاز ربانی در آخرين کلمات و حیانی نه تنها از نظر معنی بلکه از نظر وزن نیز به گونه‌ای معصومانه و نه مخصوص نمودار شده است و در این کتاب تا سر حد توان و امکان اضافه بر رعایت معنوی الفاظ، فصاحت و بلاغت قرآنی رعایت شده است. بر حسب آیاتی از قرآن مانند «واتعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقو» (آل عمران: ۱۰۳) چنان می‌نماید که با شرایط ممکنه می‌توان با بررسی کامل و دقیق شامل در قرآن حداقل به عصمت علمی آن دست یافت.

در نتیجه برای پویندگان و جویندگان معارف قرآن هرگز تفاوتی جز در بعد تکاملی نخواهد ماند، اگر هم تشابه اندکی در اثر عدم عصمت اینان به وجود آید، با «امرهم شوری بینهم» (شوری: ۷۳) برطرف می‌گردد و به محکم می‌رسد. تفسیر قرآن به معنای توضیح معانی پنهان آن نیست بلکه به معنای استفسزا از آن است، مفسر قرآن در تفسیر آن، تنها مستفسر از قرآن است که آیات را به وسیله آیات دیگر بدون هیچ‌گونه پیش‌فرض علاقه یا انتظار و تحمیل بیان می‌کند و تنها در صدد تبیین قرآن با بیان خود قرآن بوده و با نادیده گرفتن افکار و انتظار و اقوال غیرمطلق دیگران و تحمیلات علوم بشری (چه دینی و چه غیر دینی) با نظر صائب و راست نگر مقاصد الهی را جویا شوند به این ترتیب مفسر قرآن خداست و

بس: «وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمِثْلِ الْاِجْتِنَاحِ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنِ تَفْسِيرِهِ» (الفرقان: ۲۵، ۳۳) که قرآن خود حاوی کل حقایق درونی و برونوی است. و "احسن تفسیراً" بودن قرآن در کلیت خود، نسبت به خود و دیگر حقایق همچنان باقی و پابرجاست. در این ترجمان تفسیری که ترجمه خالص قرآن و تفسیرهای لازمه آن است هیچ قرائتی از قرائات گوناگون مورد نظر نبوده و تنها قرائت متوافق قرآن معتبر است و بس، که وحدت و قطعیت دارد و مبنای یگانه تفسیرها و ترجمه‌های قرآن است، اگر هم قرائت‌های دیگری از قرآن متوافق باشد در برابر توافق قطعی و جهان شمول قرآن، ناچیز و قطعاً باطل است. در این کتاب افزون بر ترجمه تمامی آیات، تفسیری مختصر هم از برخی آیات آمده که در مجموع ترجمانی میانگین از تمامی قرآن است.^۱

* * *

۱. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، تفسیر مختصر قرآن کریم، انتشارات شکرانه، چاپ اول تابستان ۸۸

تألیفات عربی

حضرت آیة‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی ؑ

* «الفرقان» في تفسير القرآن بالقرآن والسنة - «٣٠ مجلداً»؛

* التفسير الموضوعي لفرقان للقرآن الكريم - «٣٠ مجلداً»؛

(جلد ۱ و ۲): الله، بين الكتاب والسنة وسائر الكتب السماوية

(جلد ۳): القرآن وسائر كتابات الوحي

(جلد ۴ و ۵): محمد رسول الله ؐ

(جلد ۶ و ۷): البرزخ والمعاد

(جلد ۸ و ۹): الأخلاق والادعية

(جلد ۱۰): العرفان

(جلد ۱۱): أولياء الأمور بعد الرسول الأعظم ؑ

(جلد ۱۲): خلفاء الرسول صلوات الله عليهم

(جلد ۱۳): آدم و نوح ؑ

(جلد ۱۴): إبراهيم و أوصياؤه ؑ

(جلد ۱۵ و ۱۶): موسى ؑ و رسل معه و بعده ؑ

(جلد ۱۷): عيسى ؑ

(جلد ۱۸): الإنسان والدنيا

(جلد ۱۹): الحياة بين الشياطين من الجنّة والناس

(جلد ۲۰): السياسة الإسلامية

(جلد ۲۱): العلوم التجريبية

(جلد ۲۲): أصول الاستبطاط

(جلد ۲۳): الفقه المقارن؛ ج ۱ - أحكام وضوابط عامة

(جلد ۲۴): الفقه المقارن؛ ج ۲ - الحكومة العالمية والعلم

(جلد ۲۵): الفقه المقارن؛ ج ۳ - الطهارة والصلوة

(جلد ۲۶): الفقه المقارن؛ ج ۴ - الصوم والحج

(جلد ۲۷): الفقه المقارن؛ ج ۵ - النكاح والطلاق

- (جلد ٢٨): الفقه المقارن؛ ج ٦ - الاقتصاديات الإسلامية
(جلد ٢٩): الفقه المقارن؛ ج ٧ - الصيد والذبحة، الوصية، الميراث، الشهادات، القصاص، الحدود والديات
(جلد ٣٠): الفقه المقارن؛ ج ٨ - الدعوة إلى الله تعالى
* «البلاغ» في تفسير القرآن بالقرآن
* دليل الفرقان في تفسير القرآن
* عقائدنا (بحوث مقارنة بصورة الحوار بين القرآن والتوراة والإنجليز)
* المناظرات بين الإلهيين والماديين
* حوار بين أهل الجنة والنار
* الفقهاء بين الكتاب والسنّة
* «حوار» بين الإلهيين والماديين؛
* المقارنات العلمية و الكتابية بين الكتب السماوية؛
* غوص في البحار بين الكتاب والسنّة
* رسول الإسلام في الكتب السماوية
* تاريخ الفكر والحضارة
* علي و الحاكمون
* فتياتنا
* أين «الكراسة»
* مقارنات فقهية
* علي شاطيء الجمعة
* تبصرة الفقهاء بين الكتاب والسنّة
* تبصرة الوسيلة بين الكتاب والسنّة
* لماذا صلّى و متى ننصر من الصلاة؟
* لماذا انتصرت إسرائيل ومتى تنهزم؟
* شذرات الوسائل والوافي
* حق الفرقان رداً على الفرقان الحق
* المسافرون

* * *

تألیفات فارسی

حضرت آیة‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ

- * ترجمان وحی (ترجمه و تفسیر فارسی مختصر قرآن)
- * ترجمان فرقان (تفسیر فارسی مختصر قرآن کریم – پنج جلدی)
- * رساله توضیح المسائل نوین
- * بشارات عهدهای
- (در آنچه پیمان الهی راجع به پیمبر اسلام پیشگویی کردہاند).
- * نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر؛
- (نقدی قرآنی بر دانش هرمنوتیک و پلورالیسم دینی و قبض و بسط تئوریک شریعت).
- * ستارگان از دیدگاه قرآن
- * اسرار، مناسک و ادلهٔ حجّ
- * فقه گویا
- (فقه سنتی، فقه پویا و فقه پشتری – نگرشی مختصر در سراسر فقه اسلامی)
- * آفریدگار و آفریده؛
- (گفتگوی خداپرستان با مادی گرایان پیرامون آفریدگار و آفریده)
- * نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۷۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام
- * ماتریالیسم و متافیزیک (ترجمه حوار بین الهیین والمادین)
- گفتمان خداپرستان با مادی گرایان دربارهٔ اصل توحید
- * برخورد دو جهان‌بینی (خلاصه ترجمه حوار بین الهیین والمادین)
- * نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران
- (بحث بی‌نظیر فقهی پیرامون حرمت کاستن از نماز و ترك روزه در سفر).
- * آیات رحمانی (در پاسخ به کتاب آیات شیطانی)
- * حکومت قرآن و جلوه‌ان در میان کتب آسمانی
- * حکومت صالحان یا ولایت فقیهان
- * حکومت مهدی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ
- * دعاهای قرآنی

- * گفت و گویی در مسجدالنّبی ﷺ
 - * مسیح ﷺ از نظر قرآن و انجیل
 - * قرآن، تورات، انجیل و خاتم پیغمبران ﷺ
 - * سپاه نگهبانان اسلام: امر به معروف و نهی از منکر
 - * مفت‌خواران از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
 - * علم قضاوت در اسلام از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
 - * نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
 - * نماز جمعه
 - * نماز مسافر با وسایل امروزی
 - * پرسش و پاسخ‌های احکام قضایی بر مبنای قرآنی
 - * آینه‌نگاری؟ شرح و تفسیر فرازهای مهمی از دعای ندبه
 - * پیروزی اسرائیل چرا و شکست آن کی؟
 - * تفسیر سوره حمد (ترجمه فارسی تفسیر الفرقان)
 - * علم اصول در ترازوی نقد
 - * قرآن و نظام آموزشی حوزه
 - * مفسدین في الأرض
 - * پاسخ به اتهامات مكتوب
 - * علی و زمامداران
 - * تاریخ اندیشه و تمدن (ترجمه کتاب تاریخ الفکر والحضارة).
- بررسی نقش سازنده ادیان توحیدی به ویژه دین خاتم در ایجاد یا اصلاح اندیشه و تمدن

* * *

تازه‌های نشر آثار

- * ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره نجم)، (تفسیر مختصر سوره یونس)، (تفسیر مختصر سوره نوح)، (تفسیر مختصر سوره حجرات)، (تفسیر مختصر سوره واقعه)، (تفسیر مختصر سوره ابراهیم)، (تفسیر مختصر سوره مریم)، (تفسیر مختصر سوره یاسین)، (تفسیر مختصر سوره لقمان)، (تفسیر مختصر سوره یوسف).
- * وصیت و ارث از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
- * طهارت و نجاست (۱)، از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
- * طهارت (۲)، وضو، غسل و تیم از دیدگاه کتاب و سنت ﷺ
- * تاریخ اندیشه و تمدن - (ترجمه کتاب تاریخ الفکر والحضاره؛ بررسی نقش سازنده ادیان توحیدی به ویژه دین خاتم در ایجاد یا اصلاح اندیشه و تمدن مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر
- * مجموعه سی دی و دی وی های آثار در قالب نرم افزار و پی دی اف، صوتی و تصویری.

جامعة علوم القرآن
پایگاه تخصصی علوم و معارف قرآن کریم
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۴۴۲۵

انتشارات شکرانه

مرکز چاپ و نشر آثار آیت الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی ﷺ
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۲۵۴۹۹ - ۳۲۹۲۴۸۶۷ / نمبر:

نماشگاه دائمی و مرکز پخش آثار و تألیفات
حضرت آیت الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی ﷺ
قم، بلوار امین، کوی ۲۱، پلاک ۷

www.forghan.ir
Email: Sadeghi@Forghan.ir

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library